جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱٤۰۵، دوره۹ شماره۳، صص۲۱۲-۱۷۷

شناسایی و اولویت‌بندی موانع جذب و افزایش سرمایه‌گذاری با تأکید بر جغرافیای اقتصادی استان کهگیلویه و بویراحمد

یوسف زرنگاریان[۱]، سید حسن ملک حسینی[۲*]

۱-استادیار گروه اقتصاد و بازرگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه یاسوج ، ایران

۲-استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

malekhosseini@yu.ac.ir

تاریخ دریافت:۱٤۰۵/۰۳/۱۱ تاریخ بازنگری:۱٤۰۵/۰٤/۱٤ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۵/۰۵/۱٦

چکیده:

هدف این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین موانع جذب و افزایش سرمایه‌گذاری و نیز راهکارهای مؤثر برای ارتقای سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر جغرافیای اقتصادی آن است. این پژوهش در مرحلهٔ اول کیفی و اکتشافی و در مرحلهٔ دوم از نوع توصیفی – پیمایشی است.. در مرحله نخست، با رویکردی آسیب‌شناسانه، داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، سرمایه‌گذاران و افراد دارای تجربه مدیریتی و اجرایی گردآوری شد و با روش کدگذاری تحلیل گردید. در مرحله دوم، پژوهش به‌صورت توصیفی-پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه انجام شد تا عوامل شناسایی‌شده آزمون و رتبه‌بندی شوند. پس از شناسایی موانع و چالش‌های افزایش سرمایه‌گذاری، از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای اولویت‌بندی آن‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برای افزایش سرمایه‌گذاری در استان، شناسایی موانع اصلی و ارائه راهکارهای اجرایی و متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی منطقه ضروری است. بر این اساس، تدوین برنامه‌های عملی و اولویت‌بندی اقدامات می‌تواند زمینه را برای بهبود محیط سرمایه‌گذاری و جذب بیشتر سرمایه‌گذاران فراهم کند.

واژگان کلیدی: موانع سرمایه‌گذاری، ظرفیت‌های اقتصادی، تحلیل سلسله مراتبی،جغرافیای اقتصادی کهگیلویه و بویراحمد

doi: 10.22034/gahr.2026.584304.2761 شاپا الکترونیکی:2645-3851

۱- مقدمه

جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری راهی برای تسریع حرکت اقتصاد به‌سوی توسعه و ایجاد اشتغال است و می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای شتاب توسعه و رشد اقتصادی به‌کار گرفته شود. آن‌چه که سرمایه‌گذاری را به‌عنوان یک متغیر بنیادین در معاملات اقتصادی، سیاسی، تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای تعریف می‌کند، آثار جانبی و تأثیرات فراگیر و فرابخشی آن است. ایجاد امنیت، ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره از نتایج و کارکردهای مثبت آن به حساب می‌آیند (نظری و هادیان، ۱۳۹۸،۱٦۰). در حال حاضر یکی از عمده‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، مسئله تأمین منابع سرمایه‌گذاری و چگونگی جذب و نگهداری آن‌هاست. در کشور ما نیز با توجه به حضور کمرنگ اقتصاد ملّی در عرصه رقابت جهانی، جبران فرصت‌های از دست رفته و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال سالم و مولد، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور و بهره‌مندی از اقتصاد رقابتی همواره مورد توجه و تأکید سیاست‌گذاران نظام اقتصادی کشور بوده است.

برای جذب سرمایه گذاری با تسهیل در قوانین و مقررات، تخصیص اعتبارات خاص، اعطای یارانه، معافیت‌های مالیاتی، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های مهم سرمایه‌گذاری، تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و تصویب قانون سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی، انتظار می‌رفت که جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی روند رو به رشدی به خود بگیرد. همه این اقدامات با توجه به اهمیت موضوع سرمایه‌گذاری، نیاز کشور به تأمین مالی پروژه‌ها، انتقال تکنولوژی، ایجاد اشتغال مناسب و غیره صورت گرفته است. همچنین با وجود آن‌که اقتصاددانان مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌حل تحقق اهداف بلندمدت اقتصادی و دست‌یابی به سطوح بالای رشد و توسعه در یک کشور را وجود اقتصادی توانمند با بازار سرمایه فعال و سالم می‌دانند، اما به‌دلیل فقر حاکم و کمبود پس‌انداز مالی در اغلب استان‌های کشور، امکانات داخلی برای تشکیل سرمایه جهت تحقق نرخ رشد اقتصادی موردنظر کافی نبوده و علی‌رغم همه اقدامات صورت گرفته در جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، همچنان مسائل و مشکلات فراوانی در استان‌های مختلف کشور مشاهده می‌شود. استان کهگیلویه و بویراحمد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بررسی‌های مختلف میدانی نشان‌دهنده آن است که علی‌رغم وجود ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی، یکی از عوامل مهم وجود فقر، بیکاری و توسعه نیافتگی این استان، کمبود سرمایه و پایین بودن سرمایه‌گذاری و عدم جذب سرمایه های داخلی مناسب بوده است. به‌طورکلی، استان کهگیلویه وبویراحمدبا توجه به وسعت،جمعیت،پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و امکانات بالقوه و بالفعل در زمینه منابع طبیعی، فیزیکی، مالی، انسانی و اجتماعی می‌تواند در توسعه و پیشرفت منطقه و کشور نقش‌آفرینی شایسته‌ای داشته باشد، اگر روی این قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها سرمایه‌گذاری مناسبی صورت گیرد. این استان با وجود برخورداری از ظرفیت‌های اقتصادی در بخش‌های گردشگری، صنعت و کشاورزی، همچنان با چالش‌هایی مانند فقر، بیکاری و پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری روبه‌رو است و نتوانسته از توان بالقوه خود به‌خوبی بهره‌برداری کند. از این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است به این پرسش پاسخ دهد که با وجود ظرفیت‌های اقتصادی بی‌شمار، دلایل پایین‌بودن سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد چیست و چه راهکارهایی برای افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این استان وجود دارد؟

۲- مبانی نظری

۲-۱- سرمایه‌گذاری و نظریه‌های مربوط به آن

سرمایه و سرمایه‌گذاری یکی از عناصر لازم و حیاتی برای ایجاد رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. در علم اقتصاد، سرمایه یکی از عوامل تولید بوده و با انباشت آن، زمینه برای تولید انواع کالاها و خدمات دیگر (مانند انواع ماشین‌آلات، ابزار، کارخانه و ...) فراهم می‌شود. در مباحث جدید توسعه در دهه‌های اخیر، سرمایه فقط شامل ماشین‌آلات و ساختمان نبوده و به انواع زیر تقسیم می‌شود: سرمایه فیزیکی (ابزار، ماشین‌آلات و ساختمان)، سرمایه انسانی (نیروی کار و مدیریت منابع)، سرمایه مالکی (نقدینگی موجود در دست مردم که به سپرده‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت و سهام و اوراق قرضه تبدیل می‌شود) و سرمایه اجتماعی (نوعی از روابط اجتماعی که منجر به ایجاد شبکه‌های اجتماعی، هنجارها، اعتماد اجتماعی و تسهیل هماهنگی و همکاری به‌منظور دست‌یابی به منافع می‌شود (ارشدی، ۱۳۸۲،50). سرمایه‌گذاری در علم اقتصاد به‌معنای انباشت سرمایه برای تولید کالاها و خدمات جدید است. به‌عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری را خرید کالاهای سرمایه‌ای به‌منظور تولید کالاها و خدمات و ایجاد ارزش‌افزوده در آینده می‌دانند. وقتی‌که از انباشت سرمایه صحبت می‌شود،مقصود مجموع ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، تأسیسات و کلیه منابع انسانی موجود در یک‌لحظه از زمان بوده و این دارایی‌ها درواقع بیانگر قسمتی از تولید اقتصاد درگذشته است که مصرف نشده و برای استفاده در امر تولید در آینده کنار گذاشته می‌شوند (مؤمنی جمشیدی و پیرحیاتی،۱٤۰۲،٤). سرمایه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تولید، پدیده‌ای بسیار فرار است. با توجه به مطالعات تجربی در علم اقتصاد، سرمایه‌داران باید برای رسیدن به نقطه تصمیم‌گیری به دو اطمینان دست یابند: الف) اطمینان از سودآوری، ب) اطمینان از حفظ مالکیت سرمایه و عدم تعرض به آن (دهقانی، ۱۳۹۵،٤۰). سرمایه‌گذاری بعد از مصرف، مهم‌ترین جزء تقاضای کل است که به‌دلیل نوسانات بسیار زیاد بیشتر موردتوجه اقتصاددانان قرار گرفته است. سرمایه‌گذاری با سیاست‌های کلان اقتصادی نوسان پیدا می‌کند و چون پایه تولید جامعه را پی‌ریزی کرده و توان تولیدی را بالا می برد، حائز اهمیت است. سیاست‌گذاران اقتصادی با استفاده از سیاست‌های کلان اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه بخش خصوصی را هدایت کرده و با ایجاد انگیزش‌هایی، سرمایه‌گذاران را به انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری ترغیب می‌نمایند. تقریباً اکثر اقتصاددانان، بی‌توجه به مکتب و دیدگاه فکری خود، بر تمرکز و تشکیل سرمایه به‌عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رشد و توسعه اقتصادی تأکید زیادی داشته‌اند. به اعتقاد نورکس معنی و مفهوم تمرکز سرمایه این است که یک جامعه تمام ظرفیت‌های مولد جاری خود را صرف تأمین نیازهای مصرفی خود نمی‌کند، بلکه بخشی از منابع مالی خود را صرف تولید کالاهای سرمایه‌ای مانند ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزارهای تولید و تسهیلات حمل و نقل می‌کند. ماهیت یا جوهر جریان تمرکز سرمایه عبارت است از تخصیص بخشی از منابع جاری سرمایه جامعه به بخش‌های دیگر به‌منظور افزایش ذخایر سرمایه به‌صورت کالاهای سرمایه‌ای، تا بتوان در آینده امکان بسط و توسعه بخش‌های تولید کالاهای مصرفی را ایجاد کرد. اقتصاددانان کلاسیک معتقدند که تمرکز سرمایه به مثابه کلیدی برای توسعه اقتصادی است و برای تمرکز سرمایه نیاز به پس انداز بیشتر وجود دارد. به عقیده کلاسیک‌ها انگیزه سودجویی عامل اصلی سرمایه‌گذاری‌ها بوده و هر چه نرخ سود بالاتر باشد میزان تمرکز سرمایه و در نتیجه سود بیشتر خواهد بود. کنیز معتقد بود که سرمایه‌گذاری از پارامترهای اصلی در تقاضای کل بوده

و افزایش سرمایه‌گذاری باعث افزایش تقاضای کل و افزایش درآمد ملی می‌شود (تقوی و محمدی، ۳۲،۱۳۸۸). برای تبیین رفتار سرمایه‌گذاری، نظریه‌های مختلفی ارائه گردیده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: نظریه ملاک ارزش فعلی، نظریه وجوه داخلی سرمایه‌گذاری، نظریه اصل شتاب سرمایه‌گذاری، نظریه نئوکلاسیک سرمایه‌گذاری و نظریه q توبین. در تئوری ملاک ارزش فعلی یک بنگاه تولیدی باید طرح‌های سرمایه‌گذاری را به کمک ارزش تنزیل شده فعلی جریانات درآمدی رتبه‌بندی کند. بر اساس این تئوری، هدف نهایی صاحبان بنگاه‌ها و سهامداران آن به‌عنوان مصرف-کننده این است که مطلوبیت خود را با توجه به الگوی بهینه‌یابی بین‌دوره‌ای به حداکثر رسانده و با تخصیص مناسب درآمد خود برای سرمایه‌گذاری طی سال‌ها و دوره‌های مختلف، سود و درآمد خود را به حداکثر میزان مورد انتظار افزایش دهند. بنابراین، این افراد با دو نوع تصمیم روبرو اند؛ یکی تصمیم مربوط به سرمایه‌گذاری (که در آن مقداری از درآمد خود را صرف سرمایه‌گذاری و تولید می‌کند) و دیگری تصمیم مربوط به مصرف، چه بسا در تصمیم اول، از درآمد جاری خود به درآمدهای سال‌های بعد قرض دهند، ولی در تصمیم دوم، برای مصرف بیشتر در دوره جاری، اقدام به اخذ وام کنند. در نظریه ملاک ارزش فعلی، افزایش نرخ بهره بازاری موجب کاهش ارزش فعلی هریک از پروژه‌ها می‌شود. از طرف دیگر، اگر بازدهی‌های مورد انتظار افزایش یافته و انتظار افزایش دائمی تقاضا هم وجود داشته باشد، سطح سرمایه‌گذاری تعادلی بالاتر می‌رود. ملاک دیگری که یک سرمایه‌گذار می‌تواند برای طبقه‌بندی پروژه‌ها به‌کار گیرد، ملاک کارایی نهایی سرمایه به‌عنوان نرخ بهره‌ای است که ارزش فعلی پروژه را به صفر تنزیل می‌دهد. به عقیده کینز، پروژه‌ای که عایدات بالاتری دارد، ملاک ارزش فعلی، ارزش بازدهی آینده را با نرخ بهره بازار تنزیل می‌کند، ولی ملاک رتبه‌بندی کارایی نهایی سرمایه بدون توجه به نرخ بهره، درصدد پیدا کردن نرخ بهره‌ای است که اگر عایدات مذکور به آن تنزیل شود، ارزش فعلی صفر را ارائه کند.

در نظریه وجوه داخلی سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری تابعی از سود در نظر گرفته می‌شود، در نظریه شتاب فرض بر این است که سرمایه گذاری ناخالص، تابعی مستقیم از سطح تقاضای کل و تابعی معکوس از موجودی سرمایه دوره قبل است. به‌عبارتی، اصل شتاب رابطه میان نرخ رشد تولید و سطح سرمایه‌گذاری خالص است. این رابطه بیان می‌کند که افزایش سطح سرمایه‌گذاری نیازمند افزایش نرخ رشد محصول است. افزایش نرخ بهره باید سطح سرمایه‌گذاری خالص را که با هر نرخ معینی از رشد محصول مرتبط است، کاهش دهد. به این رابطه متغیر میان نرخ رشد محصول و سطح سرمایه‌گذاری خالص، مدل شتاب انعطاف‌پذیر گویند. مدل شتاب انعطاف‌پذیر را نخستین بار کویک[1] اقتصاددان هلندی مطرح کرد. در این الگو فرض می‌شود که در هر دوره، تنها قسمتی از شکاف بین موجودی سرمایه واقعی و موجودی سرمایه مطلوب پر می‌شود. در این الگو، موجودی سرمایه جاری متناسب با میانگین وزنی تولید دوره‌های قبل است و هر چه به عقب برگردیم، اهمیت تولید در این میانگین کاهش می‌یابد. مدل جریان نقدینه سرمایه‌گذاری، استفاده از جریان نقدینه داخلی بر سرمایه‌گذاری را بهتر از تأمین مالی خارجی می‌داند. در این الگو، هزینه‌های سرمایه‌گذاری، یک نسبت متغیری از جریان نقدینه داخلی است و عرضه وجوه داخلی، به سطح سود بنگاه بستگی دارد؛ بنابراین، موجودی مطلوب سرمایه نه‌تنها بستگی به سطح تولید دارد که به میزان سودهای انتظاری نیز وابسته خواهد بود .

[1]- Koyck

در اصل شتاب این مسئله مطرح است که سرمایه‌گذاری بیشتر به خرید کارخانه و نصب ماشین‌آلات بیشتری منجر شده و با افزایش نهاده‌های سرمایه‌ای، محصول تولیدشده افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، پولی که به‌عنوان سرمایه صرف خرید ماشین‌آلات و کارخانه می‌شود، به‌عنوان پاداش و اجرت عوامل تولید به آن‌ها پرداخت می‌شود و مصرف آن‌ها با این پول بیشتر شده و به‌وسیله ضرایب فزاینده، تقاضای خود را بالا می‌برند.

در تئوری نئوکلاسیک، سرمایه‌گذاری صرفاً تمرکز بر تعیین حجم سرمایه بهینه است و متغیر مهم و اساسی در تعیین حجم سرمایه بهینه، ارزش حقیقی سرمایه نسبت به نرخ دستمزد حقیقی می‌باشد. در این الگو سرمایه‌گذاری نشأت گرفته از عامل سرمایه است که قیمت سرمایه در تصمیم‌گیری برای میزان سرمایه‌گذاری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. مدل نئوکلاسیک با توجه به محدودیت تابع تولید، می‌خواهد ارزش فعلی جریان درآمدی خالص را در طول زمان حداکثر کند.

در نظریه q توبین نیز فرض بر این است که موجودی مطلوب سرمایه و سرمایه‌گذاری به طور مثبت با q که برابر نسبت ارزش بازاری دارایی‌های موجود بر هزینه جایگزینی دارایی‌های بنگاه می باشد، رابطه دارد. نظریه q توبین این نکته را در نظر می‌گیرد که بنگاه خود می تواند انتخاب کند که در کارخانه و ماشین آلات سرمایه‌گذاری کند یا در بخش مالی سرمایه خود را به جریان اندازد. در این نظریه وقفه‌ها و هزینه‌های تعدیل وارد می‌شود. در واقع این نظریه بیان می‌کند یک بنگاه که بر مبنای عقلانیت رفتار می‌کند، باید هنگام انتخاب مقدار و زمان سرمایه‌گذاری، تأخیرات و هزینه‌های آن را به‌حساب آورد و حتی حجم سرمایه مطلوب باید تابعی از این محدودیت‌ها باشد. جنبه تحلیلی تئوری q توبین این است که اگر هزینه جایگزینی ماشین‌آلات سرمایه‌ای (استهلاک) مشخص باشد، ارزش قابل مشاهده و بازاری بنگاه، انتظارات بازار درباره بازدهی‌های همه دوره‌های آینده را در درون خود دارد و نسبت به ریسک و عدم اطمینان هم تعدیل شده است.. جیمز توبین این نظریه را درباره سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی ارائه کرد که بر اساس آن سرمایه‌گذاری خالص نسبت به ارزش بازاری دارایی‌های مالی شرکت به هزینه جایگزینی دارایی-های واقعی آن مربوط می‌شود. وی استدلال کرد مادامی‌که برای بنگاه تولیدی $q > 1$ باشد، حجم سرمایه را اضافه می‌کند؛ زیرا آن‌ها سودآوری خود را در شرایطی افزایش می‌دهند که هزینه واقعی سرمایه از هزینه مالی آن کمتر باشد. به‌عبارت دیگر، هزینه استفاده از منافع از هزینه ناشی از افزایش سرمایه کمتر باشد (دودانگی،۱۳۹٤،۲۰).

در واقع، نظریه q توبین، نگاه جدیدی به سرمایه‌گذاری دارد و نقاط ضعف نظریه‌های قبلی شامل تأخیر یا هزینه‌های تعدیل طرح‌ها، عدم شفافیت درآمدها و هزینه‌های انتظاری و مسئله ریسک را می‌پوشاند. توبین با ارتباط دادن میزان
سرمایه‌گذاری به بازار، مشکل انتظار، تأخیرها و ریسک را به‌طور عملی به مکانیزم بازار اوراق بهادار منتقل می‌کند و تصمیم‌گیری در طرح‌های مختلف سرمایه‌گذاری را آسان‌تر می‌نماید (برانسون۸۵،۱۳۹۰). مهم‌ترین نظریات سرمایه-گذاری در جدول (۱) به‌صورت خلاصه ارائه شده است.

جدول (۱) نظریات مختلف سرمایه‌گذاری

نام نظریه	خلاصه نظریه
نظریه کلاسیک‌ها	سرمایه‌گذاری تابع غیرمستقیم و پس‌انداز تابع مستقیم نرخ بهره است.
نظریه کینز	دریک پروژه خاص، سرمایه‌گذاری زمانی مقرون به صرفه است که بازدهی نهایی سرمایه از نرخ جاری سرمایه بیشتر باشد.
نظریه نئوکلاسیکی	این نظریه صرفا بیان‌گر حجم سرمایه بهینه است و به هزینه سرمایه نسبت به سایر عوامل، به‌عنوان یک عامل حیاتی در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری نگاه می‌کند.
نظریه وجوه باقی‌مانده	سرمایه‌گذاری تحتت تأثیر انتظارات مربوط به سود قرار دارد، بنابراین، وجوه داخلی و ازجمله سود توزیع نشده به‌جای نرخ بهره، تعیین‌کننده مقدار سرمایه‌گذاری است.
نظریه q توبین	سرمایه‌گذاری زمانی رخ خواهد داد که بیش از هزینه انجام‌شده آن به ارزش بنگاه افزوده گردد. این نظریه ابزاری برای تشریح وقایع گذشته است نه پیش‌بینی سطح سرمایه‌گذاری در آینده.
اصل شتاب	در درجه اول سطح سرمایه‌گذاری (به‌صورت مستقل) تعیین‌کننده سطح درآمد ملی و مصرف است و در درجه دوم، سطح درآمد و تغییر در آن در تعیین و تغییر حجم سرمایه‌گذاری لازم (به‌طور القایی) مؤثر است.
الگوی شتاب ساده	سرمایه‌گذاری خالص به‌طور مستقیم به تغییر در نرخ تولید یا درآمد ملی بستگی دارد. هرقدر افزایش در نرخ تولید یا درآمد ملی بیشتر (کمتر) باشد، سرمایه‌گذاری خالص بیشتر (کمتر) است.
الگوی شتاب انعطاف‌پذیر	در این نظریه فرض بر این است که سرمایه تابعی از سطح محصول در دوران مختلف است.

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۲- انواع سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری را با رویکردهای مختلفی تقسیم‌بندی می‌کنند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف) بر اساس موضوع سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری‌ها به دو شکل عمده واقعی و مالی تقسیم می‌شوند. سرمایه‌گذاری‌های واقعی نوعی سرمایه‌گذاری است که فرد با فدا کردن ارزشی در زمان حاضر، نوعی دارایی واقعی به‌دست می‌آورد؛ خرید ملک یا آپارتمان نمونه‌ای از این سرمایه‌گذاری است. در سرمایه‌گذاری مالی فرد در ازای فدا کردن ارزش حاضر نوعی دارایی مالی که نتیجه آن معمولاً جریانی از وجوه نقد است، به‌دست می‌آورد. در اقتصادهای

سنتی اکثر

سرمایه‌گذاری‌ها از نوع واقعی بوده‌اند، اما در اقتصاد پیشرفته عمده سرمایه‌گذاری‌ها بر روی دارایی‌های متمرکز صـــورت می‌گیرد و توسعه مؤسسات سرمایه‌گذاری مالی راه را برای سرمایه‌گذاری واقعی امکان‌پذیرتر مـی‌کند. ب) بر اساس زمان یا مدت سرمایه‌گذاری: بر حسب زمان، سرمایه‌گذاری را می‌توان بـه کوتاه مدت یا حداکثر تا یک سال و بلند مدت یا بیش از یک سال تقسیم کرد. ج) برحسب خطر یا ریسک سرمایه‌گذاری: از آن جا که منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در آینده بـه‌دسـت می‌آید و نسبت به تحقق این منافع اطمینان وجود ندارد، پس سرمایه‌گذاری‌هـــا بـــا درجاتی از احتمال عدم تحقق منافع مورد نظر سرمایه گذار یا ریسک مواجه‌اند. بر اساس این که میزان یا احتمال تحقق نیافتن منافع آتی یا ریسک چقدر باشد سه نوع سرمایه‌گذاری را می‌توان از یکدیگر متمایز ساخت: سرمایه‌گذاری با ریسک متناسب، که نوعی سرمایه‌گذاری است که ریسک آن متناسب با بازده ای است که از آن انتظار می رود. سرمایه گذاری با ریسک نسبی بیشتر سرمایه گذاری با ریسک نسبتاً بیشتر یا سفته بازی، نوعی سرمایه‌گذاری است که در آن سرمایه‌گذار برای کسب بازده، ریسک بیشتری را تقبل می‌کند.= سرمایه‌گذاری پر خطر یا ریسکی: سرمایه-گذاری بسیار ریسکی یا قمار، نوعی سرمایه‌گذاری است که در آن فرد برای به‌دست آوردن بازدهای ولو بسیار کم ریسک بسیار زیادی متحمل می‌شود (قادری،۱۳۹۵،۱۱۰). در خصوص سرمایه بین‌المللی تقسیم‌بندی‌هایی وجود دارد که به‌طور کلی جریان سرمایه های بین‌المللی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول شامل وام‌ها، امانه‌ها و منابع دیگر تأمین مالی می‌باشد، که شامل تأمین مالی اعتباری، وام‌های قراردادی، امتیازات بازرگانی یا صادراتی و انواع دیگر وام‌ها و اعتبارات می‌شود. دسته دوم شامل سرمایه‌گذاری خارجی است که به دو دسته اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند (دودانگی، ۳۲،۱۳۹۵). سرمایه‌گذاری داخلی نیز با گسترش زیرساخت‌ها شامل بنادر، جاده‌ها و فرودگاه‌ها، زیرساخت‌های ارتباطی (پست، تلفن و اینترنت) و حمل و نقل، عرضه آب، انرژی و مواد طبیعی اولیـه، مکـان‌هـای عمومی و تفریحی باعث کاهش هزینه فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، افزایش نرخ بازده سرمایه و در نتیجه ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی به‌منظور افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم در کشور خواهد شد (صفری علی اکبری و همکاران۱۳۹۰،٥٤).

۲-۳- عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری

متغیرهای مختلفی روی سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارند که معمولاً حساسیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در برابر تغییرات این متغیرها، نسبت به دیگر مؤلفه‌های اقتصاد کلان بیشتر است. در این‌جا عوامل مؤثری را که بر مشارکت در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر می‌گذارند، به‌صورتی خلاصه در چهار دسته تقسیم‌بندی کرده و توضیح داده می‌شود.

۲-۳-۱- عوامل اقتصادی

عوامل مختلف اقتصادی که هر کدام به نحوی سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند در ادامه به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱) حمایت دولت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی با صرف هزینه در این راستا (سرمایه‌گذاری بخش دولتی)

اگر دولت در فعالیت‌های تولیدی نظیر صنعت پوشاک و صنایع کوچک که بخش خصوصی نیز می‌تواند آن‌ها را انجام دهد، سرمایه‌گذاری کند، به‌عنوان جانشین بخش خصوصی عمل کرده، سبب کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شده و سرمایه‌گذاری این بخش را در حاشیه قرار می‌دهد (دهقانی، ۵۸،۱۳۹۰)؛ ولی اگر سرمایه‌گذاری دولت در حیطه کالاهای عمومی مانند احداث فرودگاه‌ها، بزرگراه‌ها، بندرها، راه‌ها و غیره صورت گیرد، مکمل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوده و مشکلات موجود بر سر راه فعالیت‌های بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. در واقع اگر چنین مخارجی را دولت تقبل نکند، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی انجام نمی‌شود و در صورت انجام، هزینه بسیار بالائی خواهد داشت و انجام آن توسط دولت، هزینه تولید بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. از آن‌جا که، در کشورهای درحال توسعه، جوامع در اشتغال کامل نیستند، افزایش در سرمایه‌گذاری دولتی، درآمد ملی را از طریق ضریب فزاینده، تحت تأثیر قرار داده و سبب افزایش سودآوری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌دلیل افزایش در تقاضای انتظاری برای محصول نهایی می‌شود و این پدیده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری بیشتر ترغیب می‌نماید، از این‌رو، در این کشورها، سرمایه‌گذاری بخش دولتی به‌عنوان مکمل سرمایه-گذاری بخش خصوصی مطرح است (سوریز[1]، ۲۰۰۶، ۳٤۰).

از طرف دیگر، بیشتر سرمایه‌گذاری‌های دولتی در پروژه‌های ساختاری و زیربنایی می‌باشد که به کاهش هزینه تولید و یا افزایش درآمدها با توجه به بازده نسبت به مقیاس و درنتیجه افزایش سودآوری برای بخش خصوصی منجر خواهد شد. افزایش تقاضا برای کالاهای بخش خصوصی از طریق سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع مکمل با تأسیس کارخانجات جدید نیز یکی دیگر از دلایل ارتباط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی است (فورسری[2]، ۲۰۱٦، ۱٦).

۲) فراهم بودن شرایط اقتصادی کشور در راستای اهداف سرمایه‌گذاران بخش خصوصی (تولید ناخالص داخلی)

تولید ناخالص داخلی دربرگیرنده ارزش کلیه کالاها و خدماتی نهایی است که طی یک دوران معین (معمولاً یک سال)، در یک کشور تولید می‌شود. در این تعریف منظور از کالاها و خدمات نهایی، کالا و خدماتی است که در انتهای زنجیر تولید قرارگرفته‌اند و خود آن‌ها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی‌شوند. مطابق اصل شتاب یکی از متغیرهای مهم مؤثر بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی است. تشکیل سرمایه ثابت خصوصی یکی از پرنوسان‌ترین اجزای تولید ناخالص داخلی در اقتصاد هر کشور است. نظر به اهمیت فراوان و حساسیت فوق‌العاده این متغیر کلان اقتصادی، شناخت عوامل تعیین‌کننده آن در هر اقتصادی لازم است. مطالعات تجربی سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی در کشورهای مختلف، مخصوصاً کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهد که تغییرات در تولید ناخالص داخلی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است (دهقانی،۱۳۹۵، ۲۰).

[1]- Soreiz
[2]- Furceri

۳) وجود تعادل در نوسانات نرخ ارز و عدم وجود اثر منفی بر سرمایه‌گذاری

نرخ ارز به‌دلیل تأثیر بر قیمت کالاهای سرمایه‌ای وارداتی و همچنین قیمت کالاهای صادراتی تولیدشده در داخل، نقش مهم و اساسی در تعیین رفتار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورهای درحال توسعه ایفا می‌نماید. بر اساس نظریه‌های اقتصاد کلان، هر افزایشی در نرخ ارز حقیقی که به مفهوم کاهش ارزش پول داخلی است، باید به افزایش صادرات و کاهش واردات کشور منجر شود و درنتیجه خالص صادرات افزایش یابد. از آن‌جا که خالص صادرات یکی از اجزای تقاضای کل است، افزایش خالص صادرات به افزایش تقاضای کل یا تولید ناخالص داخلی منجر خواهد شد و با توجه به تأثیر مستقیم تقاضای کل بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، هر افزایشی در تقاضای کل به افزایش سرمایه‌گذاری این بخش منجر می‌شود (هنسن[1]، ۲۰۱٦، ۲۲).

٤) وجود تسهیلات لازم و اعتبارات کافی در حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

در کشورهای توسعه یافته، بازارهای مالی گسترده، بازار بورس پیشرفته و شرکت‌های سرمایه‌گذاری فراوانی وجود دارند که پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تأمین مالی می‌کنند و نقش بازار پول و بانک‌ها را در این امر، کمرنگ‌تر می‌سازند، به‌طوری‌که وام‌ها و اعتبارات بانکی نمی‌تواند به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مطرح شود؛ اما با توجه به کمبود بازار سرمایه و نیز گسترش نیافتن بازار سهام، شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در کشورهای درحال توسعه، امکان تأمین منابع سرمایه‌گذاری برای مؤسسات اقتصادی از بازار سرمایه و نیز انتشار سهام و اوراق مشارکت به‌طور قابل قبولی وجود ندارد، همچنین برخلاف جانشینی کامل بازار پول و سرمایه در کشورهای توسعه یافته، در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، پول و سرمایه مکمل یکدیگرند. به عبارت دیگر، تأمین مالی پروژه‌ها از منابع داخلی بنگاه (سود قابل تقسیم) و تأمین مالی از منابع خارج (اوراق سهام و اعتبارات) جانشین کاملی برای یکدیگر نیستند و منابع خارج از بنگاه خود، مجرایی برای انباشت سرمایه خواهد بود. بر این اساس، اکثر سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود ناگزیرند از اعتبارات اعطایی بانک‌ها استفاده نمایند. از طرف دیگر، پایین بودن نرخ بهره وام‌های بانکی در این کشورها سرمایه‌گذاران را به استفاده از این منابع مالی ترغیب می‌نمایند (دهقانی، ۲۸،۱۳۹۵).

۵) عدم وجود نرخ بالای تورم به‌عنوان یکی از موانع اصلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

در مورد متغیرهایی که نشان‌دهنده هزینه استفاده از سرمایه یا هزینه فرصت سرمایه‌گذاری هستند، می‌توان به نرخ بهره و نرخ تورم اشاره نمود. در مطالعات انجام شده علیرغم تأیید تأثیر معنی‌دار نرخ بهره بر سرمایه‌گذاری خصوصی، در مواردی نیز این موضوع مطرح شده است که محدودیت اصلی فرا روی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورهای درحال توسعه، هزینه سرمایه و نرخ بهره نیست بلکه، مقدار منابع مالی و دسترسی به اعتبارات می‌باشد. در مورد ایران نیز نرخ بهره، به‌عنوان یک عامل توجیه‌کننده رفتار سرمایه‌گذاری، از اهمیت چندانی برخوردار نیست، زیرا در ایران و برخی کشورهای درحال توسعه، نرخ بهره سیستم بانکی، تحت کنترل دولت و نظام سیاسی بوده و به‌صورت بوروکراتیک تعیین‌شده و با قوای بازار ارتباطی ندارد و نمی‌توان از نرخ بهره به‌عنوان هزینه فرصت سرمایه‌گذاری

[1]- Hansen

استفاده کرد، با توجه به مطالعات انجام شده در ایران، به‌جای شاخص نرخ بهره از نرخ تورم استفاده می‌شود که با ناامن کردن محیط سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به مخاطره می‌اندازد.

٦) افزایش درآمد سرانه جامعه و افزایش تمایل عموم به خرید کالاهای مالی مثل سهام

با توجه به نظریه‌های سرمایه‌گذاری، (اصل شتاب)، تغییرات سطح درآمد تأثیر بیشتری نسبت به سطح مطلق درآمد دارد، بنابراین سطح درآمد یا تغییرات سطح درآمد را می‌توان به‌عنوان عامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی تلقی کرد، به‌طوری‌که، هر چقدر که درآمد جامعه بالاتر باشد و افراد جامعه از درآمد بالاتری برخوردار باشند، توانایی و تمایل برای سرمایه‌گذاری بالاتر است.

۷) شفافیت جو سرمایه‌گذاری

شفافیت اطلاعات مالی، همواره به‌عنوان یکی از مؤثرترین متغیرها در تعیین استراتژی سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی مطرح بوده است. شفافیت اطلاعات عبارت است از افزایش جریان به‌موقع و قابل اتکای اطلاعات اقتصادی، مالی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذینفعان قرار گیرد. همچنین، عدم شفافیت اطلاعات مالی به‌عنوان ممانعت عمدی از دست‌رسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات ارائه شده تعریف شده است (دور و الوویچی[1]،۲۰۱٦،۵).

۲-۳-۲- عوامل سیاسی

علاوه بر عوامل اقتصادی، تأثیر برخی از عوامل سیاسی نیز بر سرمایه‌گذاری بسیار مهم است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱) عدم وجود بی‌ثباتی سیاسی در کشور

بی‌ثباتی سیاسی بیان‌گر مفهوم‌هایی مانند نا آرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا است. بی‌ثباتی سیاسی فارغ از نوع و شدت خود همواره انرژی و پتانسیل‌هایی را که باید در مسیر رشد اقتصادی به‌کار گرفته شوند، از بین می‌برد و روند طبیعی سیستم اقتصادی را در اثر سوء مدیریت ناشی از منازعات درون‌حزبی و برون‌حزبی، منحرف می‌سازد و سرعت رشد اقتصادی را کند می‌کند. بی‌ثباتی سیاسی از طریق از بین بردن امکان سرمایه‌گذاری باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود، به‌طوری‌که در کشورهایی که احتمال کودتا، شورش‌های خیابانی، ترور و اشکال دیگر تغییر غیر مسالمت‌آمیز قدرت وجود دارد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری پایین بوده و سرمایه‌گذارها در چنین وضعیتی بر انتقال سرمایه خود به جاهای امن می‌کوشند و نرخ جانشینی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و احتمالاً با بهره‌وری بالا به‌وسیله طرح‌های سرمایه‌گذاری کوتاهمدت و با بهره‌وری پایین افزایش می‌یابد. افزون بر این، ناکارآمدی تولیدی پدید آمده و به‌واسطه بی‌ثباتی سیاسی، تولید نهایی را کاهش خواهد داد. بنابراین عدم وجود بی‌ثباتی‌های سیاسی تا حد زیادی بر جذب و افزایش سرمایه‌گذاری مؤثر است (ابراهیمی و همکاران، ١٤٠٠).

[1]- Dor & Elovici

۲) خدمات پشتیبانی سازمان دولتی

به‌لحاظ نظری اگر سرمایه‌گذاری دولتی در حیطه بخش خصوصی فعالیت‌های تولیدی وارد شود، به‌عنوان جایگزینی قدرتمند برای بخش خصوصی عمل می‌کند (اثر تخلیه‌ای). اگر سرمایه‌گذاری بخش عمومی در حیطه کالاهای عمومی باشد به‌عنوان بخش مکمل برای سرمایه‌گذاری خصوصی عمل می‌کند (اثر کششی) (برانسون،۱۳۹۰ ،۲۰).

۲-۳-۳- عوامل تشویقی

برخی از عوامل تشویقی و ترغیبی نیز می‌تواند تا حد زیادی بر افزایش سرمایه‌گذاری اثر بگذارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱) اعطای معافیت‌های گمرکی

مراودات گسترده و روزافزون سیاسی، تجاری و گردشگری بین کشورها، ضرورت تسهیل این امور را دوچندان ساخته است. در این راستا، قوانین و مقررات حاکم بر ورود کالا به کشور می‌توانند نقش کلیدی ایفا نمایند. ازاین‌رو، در قوانین و مقررات، معافیت‌هایی برای ورود کالا توسط افراد دیپلماتیک، اتباع خارجی و ایرانیان مقیم خارج از کشور و نیز کالاهای تجارتی در نظر گرفته شده است که ازجمله آن می‌توان به معافیت‌های رؤسای کشورهای خارجی، مأموریت‌های سیاسی و کنسولی، نمایندگان سازمان ملل متحد، سفرا، سرکنسول یاران و نظایر آن، معافیت کالای همراه مسافر و کالاهای مستعمل همراه و لوازم خانه و شخصی ایرانیان مقیم خارج و آلات و ابزاردستی مربوط به کار یا حرفه ایرانیان شاغل در خارج و خارجیانی که به ایران می‌آیند، اشاره نمود (فتحی، ۳۸،۱۳۹۲).

۲) اعطای یارانه در امر آموزش نیروی کار محلی

عامل تحول هر سازمانی آموزش نیروی انسانی آن است و به‌سازی منابع انسانی در عصر کنونی یکی از وظایف اجتناب‌ناپذیر سازمان‌ها و مؤسسات است. مسیر توسعه هر کشوری با آموزش هموار می‌شود و هر سازمانی نیز برای موفقیت و ماندگاری خود باید آموزش و تغییر مثبت الگوی ذهنی کارکنان خود را جستجو کند. آموزش لزوماً به‌معنای هزینه نیست بلکه نوعی سرمایه‌گذاری است که به‌شرط تأثیرگذاری و افزایش بهره‌وری، به‌دنبال خود رشد و توسعه را به همراه دارد. اگر بخواهیم که به اهداف خود جامه عمل بپوشانیم و به‌سمت توسعه پیش رویم، باید فضای آموزشی را هموار کنیم و مسئول آموزش نیز با نیازسنجی و ایجاد انگیزه و تحریک در بین خود و کارکنان باید مقبولیت خود را ثابت کنند تا با اطلاع‌رسانی و اطلاع‌یابی و آموزش کارکنان، زمینه‌ساز تعامل و ارتباط بیشتر آنان و نهادینه شدن شاخص‌های رشد و توسعه شوند (دهقانی، ۳۰،۱۳۹۵).

۳) اعطای تسهیلات زیربنایی و خدمات عمومی ارزان‌تر نظیر آب و برق و غیره

دولت‌ها علاوه بر سیاست‌ها، قوانین و مقررات کارآمد، تأمین ثبات سیاسی جامعه و تأمین حقوق مالکیت شهروندان (که بخش نرم‌افزاری وظایف حاکمیتی دولت را تشکیل می‌دهند) در بخش سخت‌افزاری هم وظایفی دارند، مانند تأمین کلیه زیرساخت‌های موردنیاز فعالان اقتصادی که بخش خصوصی توان با انگیزه کافی برای عرضه آن ندارند. در واقع، وظیفه سخت‌افزاری دولت در مسیر آماده‌سازی محیط نهادی کسب‌وکار است. تأمین آب، برق، ارتباطات، بهداشت، حملونقل و غیره بخش‌های مختلفی از وظایف سخت‌افزاری دولت‌ها هستند. بدیهی است کسب‌وکار و

سرمایه‌گذاری در جامعه‌ای که فاقد استانداردهای لازم در این امور باشد، حتی با فرض وجود قوانین مناسب و امنیت حقوق مالکیت و ثبات سیاسی، چندان جذاب و نتیجه‌بخش نیست (حسین زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰، ٤٠)؛ لذا نبود زیرساخت‌های مناسب ازجمله آب، برق، ارتباطات، بهداشت و غیره نیز از مهم‌ترین مشکلات سرمایه‌گذاران داخلی است.

٤) ایجاد مناطق آزاد تجاری، صنعتی برای سرمایه‌گذاری

مناطق آزاد تجاری، به نواحی گفته می‌شود که در آن‌ها کالا انبار می‌شود و بدون دگرگونی قابل‌توجه در آن، دوباره به کشور میزبان یا سایر کشورها صادر می‌گردد (کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیای غربی، ۱۹۹۵)؛ بنابراین، ویژگی برجسته مناطق آزاد تجاری این است که برای کالاهای داخلی کشور میزبان، مالیات در نظر گرفته نمی‌شود و سایر محدودیت‌های تجارت خارجی در واردات و صادرات نیز بر مناطق مذکور اعمال می‌گردد (گروبل[1]، ۱۹۸٤، ۲). امروزه مناطق آزاد به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر و ابزاری برای تحقق استراتژی‌های توسعه برون‌نگر با تأکید بر سیاست توسعه صادرات موردتوجه قرار گرفته‌اند. هدف از ایجاد این مناطق، فراهم کردن شرایط مناسب به‌منظور افزایش تولید و صدور کالاهای صنعتی از طریق جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد اشتغال، کسب درآمد ارزی، افزایش درآمد حاصل از توریسم، تأمین مواد اولیه و قطعات موردنیاز صنایع، برقراری پیوندهای صنعتی با داخل کشور، رشد رفاه اقتصادی و مادی مردم مناطق و سپس منافع ملی است (بانک جهانی، ۱۹۹۲). هدف از ایجاد مناطق آزاد تجاری در کوتاه‌مدت را افزایش صادرات، ایجاد فرصت‌های اشتغال، ترغیب سرمایه و شتاب بخشیدن به توسعه منطقه و در بلندمدت، انتقال تکنولوژی، کسب و ارتقای مهارت‌های مدیریتی و رشد اقتصاد کشور می‌دانند. ازجمله عوامل کلیدی موفقیت مناطق آزاد تجاری را می‌توان ثبات سیاسی، تعهد به اقتصاد آزاد، محل استراتژیک، در دسترس بودن نیروی کار ارزان و زیرساخت‌های مناسب نام برد (بدری[2]، ۱۹۹٦، ۳۲).

٥)کاهش نرخ‌های مالیاتی

معافیت‌های مالیاتی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم هر سیستم مالیاتی می‌تواند نقش قابل‌توجهی را در دست‌یابی به سطح مطلوبی از کارکردها و اهداف مالیات‌ها ایفا نمایند. در ایران استفاده از معافیت مالیاتی همواره موردتوجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار داشته است و بر همین اساس نیز در نظام اقتصادی ایران، معافیت‌های مالیاتی گسترده‌ای اعمال می‌گردد و بدین ترتیب بخش قابل‌توجهی از فعالیت‌های اقتصادی از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. اعطای این معافیت‌ها به جهت تحت‌الشعاع قرار دادن میزان درآمدهای مالیاتی قابل وصول، باعث افزایش قابل‌توجه مخارج مالیاتی ظام مالیاتی ایران شده است. این در حالی است که نقش این معافیت‌ها در بهبود کارکرد تخصیصی مالیات‌ها (مدیریت اقتصادی) در حد مطلوب نبوده است. به‌عبارت دیگر، گستردگی معافیت‌ها و درعین حال عدم توجه به تحلیل هزینه فایده در اعطای این مشوق‌های مالیاتی، موجب شده تا این معافیت‌ها در عمل، جز تحمیل هزینه به نظام مالیاتی، فایده‌ای (بهبود کارکردهای مالیاتی بهویژه کارکرد تخصیصی) را حاصل نسازد. شایان توجه است اگرچه این ویژگی کلی معافیت‌های مالیاتی در ایران است، لیکن این ساختار یقیناً متوجه کلیه انواع معافیت‌ها نمی‌باشد. بدون

[1]- Grubel
[2]- Badri

تردید مالیات و نظام مالیاتی دارای نقش مؤثری در روند توسعه کشور است. مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای هدایت غیرمستقیم دولت از طریق تأثیر بر فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های توسعه صنعتی نقش کلیدی ایفا کند. دولت با تدوین نظام مالیاتی مناسب می‌تواند بر چگونگی دست‌یابی به هدف‌های توسعه‌ای تأثیر بگذارد. برای تأمین عدالت مالیاتی و حمایت از اقشار کم درآمد لازم است که دولت کالاهای ضروری را از مالیات معاف سازد ولی بر کالاهای لوکس و تجملی مالیات تصاعدی ببندد.(موتایتاچارون[1]، ۲۰۱٦، ۳۲).

٦) اعطای تخفیف واردات

یکی از ابزارهای دولت‌ها در راستای حمایت از تولید داخل، وضع تعرفه گمرکی (ورودی) بر کالاهای وارداتی است. ازاین‌رو است که این نوع مالیات را به‌عنوان نرخ حمایت از تولید داخل نیز می‌نامند.

۲-۳-٤- عوامل فرهنگی و اجتماعی

امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سرمایه مذموم شمرده می‌شود و به تبع آن سرمایه‌دار و سرمایه‌گذار که حق بسیاری را می‌تواند برگردن اقتصاد داشته باشد از جایگاه ویژه اجتماعی خود برخوردار نیست. در این کشورها نه‌تنها، تبلیغی برای احترام به سرمایه و سرمایه‌گذاری نمی‌شود، بلکه سیاست‌مداران به تناسب موقعیت اجتماعی خود و زمانی که در آن قرار دارند با گفتار و کردار خویش بر ضد آن عمل می‌نمایند. شایان ذکر است که معمولاً در این کشورها فاصله طبقاتی و حفره‌های فقر بسیار زیاد بوده و این نه به‌دلیل شیوع فرهنگ سرمایه‌گذاری بلکه به سبب سوء استفاده سود جویان از وضعیت در هم آمیخته اقتصادی است. اگر فرهنگ سرمایه‌گذاری در کشور رواج پیدا کند و نهادهای مختلف جامعه به سرمایه و عملکرد آن احترام بگذارند، محققاً تولید و در آمد و رفاه عمومی از گسترش بیشتری برخوردار خواهد شد؛ بنابراین فرهنگ سرمایه‌گذاری نیز در انباشت و تشکیل سرمایه نقش ویژه‌ای دارد. اکثر کشورهای در حال توسعه با دیدی استثمارگرایانه به سرمایه‌های خارجی می‌نگرند و معتقدند که سرمایه‌گذاران خارجی قصد استثمار منابع آن‌ها را دارند. یکی از دلایل موفقیت کشورهای آسیای جنوب شرقی نسبت به کشورهای آمریکای لاتین در جذب سرمایه‌گذاری خارجی تغییر این نوع نگاه به سرمایه‌گذاری بوده است. داشتن ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی، تعامل ضعیف بین اتباع ایرانی و سرمایه‌گذاران خارجی هم از جمله موانع فرهنگی در این زمینه تلقی می شوند (هژبر کیانی و ناهیدی، ٤٥،۱۳۹۰). جامعه ایران هنوز به ارزش سرمایه به عنوان عامل حرکت‌دهنده اقتصاد پی نبرده است و غالباً آن را با بار منفی و به‌عنوان وسیله‌ای که عدالت اجتماعی را بر هم می‌زند و محرومان را محروم‌تر می‌کند تعریف و معنا کرده است. کشور ما در سال‌های اولیه بعد از انقلاب، به جای طرد سرمایه‌داران وابسته کل سرمایه‌گذاری را نفی کرده به‌طوری‌که در عمل سرمایه‌گذاری از وفاق و همدلی جامعه و دولت برخوردار نبوده است. جامعه ما، سرمایه‌گذاری را همواره با سرمایه‌داری انگلی و غیرمولد در یک طراز می‌بینند و به آن نگاه خصمانه دارد. در نتیجه وجود چنین تفکری، تشکیل سرمایه در ایران با مشکل مواجه می‌شود (رهبر و همکاران، 1386،۱۱).یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری سرمایه اجتماعی است که می‌تواند سرچشمه بسیاری از فعالیت‌های بازدارنده دیگر مانند ناامنی و بی‌نظمی باشد. سرمایه اجتماعی موجب می‌شود که اعضا یک جامعه به هم اعتماد کنند و به تشکیل گروه‌ها و مجامع داوطلبانه بپردازند. توانایی کار جمعی و معاشرت‌پذیری به‌معنی

[1]- Muthitacharoen

پذیرش صداقت، اتکاپذیری، قابلیت اعتماد کردن، اطمینان و احساس وظیفه است. آن‌چه که موجب تقویت سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌شود این است که افراد جامعه تنها به‌فکر منافع خود نبوده و تنها در جهت دست‌یابی به آن عمل نکنند؛ بلکه به انجام کار جمعی در قالب گروه‌ها و تشکل‌های داوطلبانه و غیرداوطلبانه بپردازند (سویزی و محمدی، ۵،۱۳۹۰). از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و موجب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است در آن سهیم هستند. او معتقـد است که سرمایه اجتماعی برخلاف سرمایه انسانی متعلق به گروه‌ها است نه افراد، لذا هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دارند که بیش از یک فرد در آن سهیم باشند. از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارد، به‌طوری‌که، هر چه مقدار شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود و به‌تبع میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش می‌یابد (سعادت‌مهر، ۲۰،۱۳۹۸).

۲-۳-۵- عوامل زیرساختی

با پیچیده شدن فرآیند تولید کالاها و خدمات در جهان، وجود نیروی کار غیرماهر دیگر مزیت به شمار نمی رود؛ لذا مناطقی در جذب سرمایه‌گذاری موفق هستند که از نیروی کار آموزش دیده برخوردار باشند. وجود نیروی کار ارزان قیمت و نیز نیروی کار آموزش‌دیده به عنوان محرکی جهت جذب سرمایه‌گذاری عمل می‌کند؛ زیرا ارزانی نیروی کار هزینه های تولید را کاهش می‌دهد و نیروی کار آموزش‌دیده زمینه به‌کارگیری و انتقال فناوری نوین را فراهم می‌آورد. به همین دلیل کشورهای در حال توسعه در راستای جذب سرمایه‌گذاری به بهبود زیرساخت های آموزشی و تأکید ویژه بر گسترش دانش و تربیت و آموزش نیروی کار تلاش کرده اند (علوی و هاشمی، ۳۲،۱۳۹۵). از نظر کرنل[1] تأثیر زیرساخت‌ها بر جذب سرمایه‌گذاری از دو جنبه باید بررسی شود. نوع اول زیرساخت‌ها که به خدمات جهانی زیرساخت‌ها معروف است شامل راه‌ها، جاده‌ها، خطوط تلفن ثابت و همراه و شبکه های اینترنتی است. نوع دوم زیر ساخت‌ها به زیرساخت‌های بخش اشتغال و کاریابی معروف است. این زیرساخت‌ها از طریق توسعه و بهبود زیرساخت‌های اجتماعی مانند بهداشت و سلامت و آموزش‌های همگانی می‌تواند منجر به افزایش فرصت‌های شغلی شود (قادری و دهمرده،۲۶،۱۳۹۲). زیرساخت‌ها از دو جهت باعث افزایش رشد اقتصادی خواهند شد. اولاً زیرساخت-های اقتصادی خود عامل انتقال اطلاعات هستند؛ به‌طوری‌که توسعه راه‌ها، جاده‌ها و امکان دست‌یابی به شبکه‌های ارتباطی می‌تواند از ویژگی‌های مهم انتقال سرمایه و نیز افزایش کارایی در انتقال اطلاعات محسوب شود. در حقیقت این سیستم به‌گونه ای عمل می‌کند که اطلاعات به‌طور کامل به دست کسانی برسد که به آن‌ها نیاز دارند و این خود می‌تواند به نوعی انتقال تکنولوژیکی را نیز در بر داشته باشد. مناطقی که از گسترش انتقال اطلاعاتی و تکنولوژیکی بالاتری بهره‌مند باشند، در جذب سرمایه گذاری و رشد اقتصادی بالا موفق‌تر عمل می‌کنند؛ بنابراین در مجموع می‌توان بهبود شرایط دسترسی به زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی را عاملی برای تحقق انتقال فرایند تکنولوژیکی و همچنین رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر در کشورها دانست.

[1]- Kernel

برای ایجاد سرمایه‌گذاری باید اطلاعات بازرگانی، مالی، پولی و اقتصادی به‌صورت روشن و دقیق در اختیار مردم و دست‌اندرکاران قرار بگیرد. در این رابطه، نه‌تنها اطلاعات و آمار باید دقیق و صحیح باشند، بلکه باید به روز شوند و به‌آسانی در اختیار متقاضیان قرار گیرند. بازار به انواع اطلاعات شامل اطلاعات اولیه، اطلاعات فصلی، اطلاعات مبتنی بر تغییرات اقتصادی، اطلاعات دوره‌ای و اظهارنامه‌های مختلف نیازمند است تا بتواند فعالیت و حرکت‌های خود را با آن هماهنگ کند و واکنش‌های لازم را بروز دهد. این امکانات زمینه‌ساز افزایش کارایی بازار و در نتیجه رشد سرمایه‌گذاری خواهد شد (رهبر و همکاران، ۱۳۸٦،۲۵).

۲-۳-٦- عوامل بروکراتیک

بررسی تاریخی موانع تولید ناظر بر این مطلب است که تشکیل نهادهای قانون‌گذاری و نهادهای اقتصادی و کیفیت دستگاه اداری و پرهیز از بروکراسی نقش مهمی در سرمایه‌گذاری داشته است. تعدد نهادهای اقتصادی و عدم تشکیل نهادهای اقتصادی منسجم در خصوص روابط اجتماعی و نظام شکل گرفته مبتنی بر آن نشان می‌دهد که تغییرات لازم برای توسعه اقتصادی در ایران شکل نگرفته است. در حال حاضر، تشکیلات و نهادهایی که در ارتباط با بخش اقتصاد در کشور فعالیت می‌کنند، مجموعه منسجم و یکپارچه نیستند. به‌طوری‌که، بر اساس برآوردهای انجام شده بیش از ۵۰ نهاد دولتی با درجات مختلفی از فعالیت در امور اقتصادی نظیر برنامه‌ریزی، نظارت، اجرا و تولید آمار و اطلاعات در گیرند (سعادت‌مهر، ۱۳۹۸،۲۵).

دولت مسئولیت بسیاری از کارهای اقتصادی را در اختیار خویش دارد، از سویی صاحب بخش بزرگی از منابع مصرف‌کننده آن است. لذا در بخش خصوصی این احساس به وجود آمده که همواره یک رقیب قدرتمند که صاحب اختیارات و اقتدار وسیع است در مقابل او قرار دارد و می‌تواند با او به صورت ناسالم رقابت کند. بزرگ بودن دولت سبب ضعیف شدن سیاست گذاری، ایفای وضایف حکومتی، عدم اعمال نظارت مؤثر و افزایش فساد می‌شود. این ضعف سبب می‌شود که چشم‌انداز آینده سرمایه‌گذاری در کشور برای سرمایه‌گذار مبهم و نامشخص باشد و او نتواند تصمیمات درستی اتخاذ کند (رهبر و همکاران،۱۳۸٦، ۲۵). یکی از مواردی که باعث سرخوردگی سرمایه‌گذار می‌شود، مقررات اداری پیچیده و طی کردن مراحل اداری زیاد چه در هنگام ورود سرمایه و چه هنگام اجرای برنامه است (سعیدی و میعادی، ۱۳۹۰،۱۸۳).

۲-۳-۷- عوامل قانونی و قضایی

قوانین و مقررات پیچیده و سایر اختلالات نهادی نیز در عملکرد نامناسب سرمایه‌گذاری سهم قابل توجهی داشته‌اند. اغلب سرمایه‌گذاران خصوصی به دلیل فرآیندهای پیچیده و دست و پاگیر اداری از کشور خارج شده و یا در بخش‌های غیرمولد سرمایه‌گذاری نموده‌اند و این موضوع باعث ایجاد رقابت ضعیف و اندک گردیده که منجر به ناکارایی بیشتر و عدم نوآوری سیستم اقتصادی گردیده است (استاکی[1]،۲۰۱٦). سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که توسط دولت اتخاذ می‌شوند و در مواردی به قانون و مقررات تبدیل می‌شود، باید از یک ثبات نسبی برخوردار باشند. متأسفانه قانون-گذاری‌های اقتصادی تأمل و دقت و کارشناسی لازم را نداشته و از فعل و انفعال‌های سیاسی و بحران‌های مقطعی

[1]- Stokey

بـه‌دور نیستند و تحت تأثیر شرایط خاصی بدون آن‌که همه جوانب و ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسئله دیده شود، انجام می‌گیرند. در نتیجه در قوانینی که تنظیم می‌شود، سیاست‌های همگنی دنبال نمی‌شود و همین مسئله ناهماهنگی بین اجزای مختلف اقتصادی را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، تغییرات مکرر در قوانین و مقررات، آیین‌نامه ها و بخشنامه‌ها بدترین ضربه را بر امنیت اقتصادی کشور وارد می‌کند؛ اگرچه برخی از این تغییرات در اثر تصمیمات خارج از دستگاه‌های اجرایی اتخاذ می‌شوند، اما برای سرمایه‌گذار تفاوتی نمی‌کند که تصمیم‌گیر چه کسی بوده است. برای سرمایه‌گذار زمانی امنیت وجود دارد که او اطمینان داشته باشد حداقل قوانین و مقررات بازرگانی، ارزی و غیره در یک دوره پنج ساله تغییر نمی‌کنند.

یکی از مواردی که در حوزه قوانین و مقررات، سرمایه‌گذاری را متأثر می‌کند بحث مالکیت و پایبندی دولت به تعهدات خود است. حتی اگر انگیزه‌های اقتصادی، مالی و فنی برای سرمایه‌گذاری کاملاً مساعد باشد؛ امـــا اگر سرمایه‌گذاری با خطراتی از قبیل سلب مالکیت، عدم امنیت جانی و مالی، ریسک انتقال پول، نقـض قراردادها و غیره مواجه باشد، وی اقدام به سرمایه گذاری نخواهد کرد (رهبر و همکاران، ۳۵،۱۳۸٦). فساد و رشوه‌خواری یکی از پدیده‌های شایع در سطح جهان است که از دیرباز و همزمان با پیدایش اولین شکل‌های دولت و حکومت‌داری وجود داشته است. بررسی‌ها نشان داده که فساد یکی از ترمزهای رشد اقتصادی است و اغلب به‌عنوان پیامد محیط نهادی نامناسب قلمداد شده و نقش آن در فعالیت‌های اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است. مفاسد اقتصادی باعث ناامنی اقتصادی، فرار سرمایه‌ها، افزایش هزینه معاملات رسمی، گسترش قلمرو اقتصاد زیرزمینی و اتلاف منابع و مانع رقابت سالم می‌شود که همه این موارد مانع بهبود فضای سرمایه‌گذاری شده و در نتیجه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند. فساد همچنین می‌تواند با اشکال مختلفی ظاهر شود که از آن جمله می‌توان به اختلاس بودجه خدمات دولتی، پرداخت رشوه برای دریافت مجوز کسب و کار، رشوه‌خواری و رانت‌خواری در قراردادهای دولتی، رشوه و رانت در مجوزهای واردات و صادرات، فساد در دریافت تسهیلات بانکی و پرداخت مالیات اشاره کرد (کردی و خدا پرست، ۲۵،۱۳۹۵).

۲-٤- ظرفیت‌های استان کهگیلویه و بویراحمد و وضعیت موجود

۲-٤-۱- ظرفیت‌های اقتصادی استان

کهگیلویه و بویراحمد با تنوع منابع طبیعی، ثروت‌های فرهنگی و توانایی‌های مختلف، می‌تواند به‌عنوان یکی از نقاط قوت اقتصادی کشور مطرح شود. با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه، تولید محصولات کشاورزی نیز از ظرفیت‌های مهم اقتصادی این استان به شمار می‌رود. تنوع تولیدات از گندم و جو تا میوه‌های خشکی مانند زردآلو و هلو، به تنوع در منابع درآمدی منطقه کمک کرده و اشتغالزایی را افزایش داده است. در حال حاضر ۸۲ پروانه بهره‌برداری معتبر معدن در استان کهگیلویه و بویراحمد وجود دارد که از این تعداد ٤٥ معدن فعال و مابقی غیرفعال و یا در حال تجهیز هستند. ظرفیت استخراج اسمی سالیانه این معادن بیش از پنج میلیون تن است که با استخراج واقعی بیش از ۲,۵ میلیون تن در سال فعالیت می‌کنند. صنایع موجود در این استان به دو گروه تقسیم می‌شوند، که عبارتند از صنایع دستی و ماشینی. بزرگترین صنعت موجود استان، صنعت نفت است. در زمینه معادن نیز این استان دارای معادن بوکسیت، مس، فسفات، گوگرد، و غیره‌است. نفت و گاز استخراجی از این استان یکی از منابع عمده تولید نفت و

گاز کشور می‌باشد. شهرستان گچساران در رده‌بندی بزرگترین سفره‌های نفتی در جایگاه سوم جهان قرار داده شده‌است. پس می‌توان گفت این استان دارای اولین میدان نفتی ایران و سومین میدان نفتی جهان است. ظرفیت تولید انرژی از منابع خورشیدی و بادی در این منطقه به دلیل شرایط آب و هوایی مناسب بسیار بالاست. توسعه نیروگاه‌های تولید انرژی پاک از این منابع به توسعه اقتصاد سبز کمک می‌کند. مناظر طبیعی و مناطق گردشگری مانند شهربازی دنا و آبشارهای ریگ‌زار باعث جذب گردشگران داخلی و خارجی شده است.(درخشان زاده و دادرس ،۸۳،۱۳۹۷) در سال ۱٤۰۰، بیش از ۱,۲ میلیون گردشگر به این منطقه سفر کرده‌اند. به‌طورکلی، اصلی‌ترین قابلیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه اقتصادی استان را می‌توان به‌صورت زیر جمع‌بندی نمود (سند ملی توسعه استان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد).

قرارداشتن در دوره پنجره طلایی جمعیتی و تناسب ترکیب سنی و جنسی ایده آل

شیلات و آبزی پروری در شهرستان‌های بویراحمد، دنا، لنده و چرام (تولید ۱۸۰۰۰ تن در سال ۱۳۹۸ و تولید ۱۰ درصد ماهیان سردآبی کشور) و رتبه سوم کشوری.

کشت و فرآوری گیاهان دارویی در پهنه فضایی استان (وجود بیش از ٤۷۰ گونه گیاهی دارویی و قابلیت کشت در بیش از ۳۰۰ هزار هکتار از اراضی منابع طبیعی چیزی معادل ۱۵,٦ درصدگونه‌های کشور).

تولیدات باغی در قلمرو فضایی استان به‌ویژه در شهرستان‌های بویراحمد، دنا، باشت، گچساران و کهگیلویه (سیب، گردو، مرکبات و کشت های گلخانه‌ای)

تولیدات دامی در قلمرو فضایی استان به‌ویژه در شهرستان های بویراحمد، کهگیلویه، گچساران ، چرام و بهمئی(گوشت قرمز،گوشت مرغ، شیر و تخم مرغ)

تولیدات زراعی در قلمرو فضایی استان به‌ویژه در شهرستان کهگیلویه، چرام، باشت، بویراحمد، بهمئی، گچساران و لنده (شلتوک، حبوبات، غلات و سبزیجات).

وجود دومین ابرمخزن نفتی کشور در گچساران و تولید روزانه حدود ۲۵ درصد نفت و گاز کشور

استخراج و فرآوری کانی‌های غیرفلزی در قلمرو فضایی استان به ویژه در شهرستان‌های چرام، کهگیلویه، بهمئی، دنا و بویراحمد (دارای بزرگ‌ترین معدن فسفات به‌همراه معادن سیلیس، بوکسیت،گوگرد، مس، گچ، سنگ‌های تزئینی به‌همراه ذخایر عظیم خاک‌های نسوز و صنعتی کشور)

صنایع غذایی، دارویی، شیمیایی و تبدیلی تکمیلی کشاورزی در شهرستان‌های بویراحمد، گچساران و کهگیلویه.

تأمین‌کننده بخشی از منابع آبی جنوب غرب کشور.

داشتن حدود ۱۰ درصد منابع آبی کشور و و ۱۱ و نیم میلیارد مترمکعب روان آب (تولید و بسته بندی آب معدنی).

برخورداری از میزان بارش خوب نزولات جوی (با میانگین بارش سه برابری نسبت به میانگین کشوری).

تنوع اقلیمی و زیست‌محیطی (چهار فصل بودن).

ثبت جهانی ذخیره‌گاه زیست‌کره دنا (معادل ۲۵۵۵۳۷ هکتار).

وجود بیش از ۲۲۰۰ گونه گیاهی و جانوری.

وجود ۳۱۲ هزار هکتار منطقه تحت مدیریت محیط زیست استان.

داشتن حدود ۱٦ درصد از جنگل‌های زاگرس (معادل ٦ درصد جنگل‌های کشور)

ثبت بیش از ۷۲٦ اثر تاریخی، فرهنگی و طبیعی در مقیاس ملی (داشتن ١٤ منطقه نمونه و ۱۳ روستای هدف گردشگری مصوب).

طبیعت‌گردی، گردشگری سلامت و ورزشی، گردشگری روستایی-عشایری در قلمرو فضایی استان به‌ویژه در شهرستان‌های بویراحمد، دنا ، باشت و چرام.

گردشگری تاریخی- فرهنگی، گردشگری روستایی-عشایری و بوم‌گردی در قلمرو فضایی استان به‌ویژه در شهرستان-های کهگیلویه، بهمئی، گچساران، لنده

موقعیت مناسب جغرافیایی و ترانزیتی با عبور دو کریدور ارتباطی شمال به جنوب و جنوب غربی به شمال شرقی(طریق الرضا).

موقعیت مطلوب لجستیکی و پشتیبان خدمات در جنوب غرب کشور.

امکان دسترسی مناسب استان‌های مرکزی کشور از طریق منطقه ویژه اقتصادی گچساران به بندر دیلم و خلیج فارس.

تلفیق زندگی جوامع شهری، روستایی و عشایری در استان.

ایفای نقش پیشتیبان برای استان‌های خوزستان، فارس، بوشهر و اصفهان در زمینه ترانزیت کالا و مسافر.

امکان ایجاد زمینه فعالیت کارآفرینان و توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان.

قطب کشوری خدمات گردشگری در شهرستان‌های بویراحمد و دنا.

قطب منطقه‌ای در بخش بهداشت ، درمان و علوم پزشکی در شهرهای یاسوج و دوگنبدان.

قطب منطقه‌ای در بخش آموزش عالی در شهر یاسوج.

امکان تولید انرژی‌های خورشیدی، آبی، بادی و زیست سوخت (زیست توده).

واقع شدن در مسیر خطوط اصلی انتقال گاز جنوب به شمال کشور (چهار خط لوله اصلی سراسری گاز).

۲-٤-۲- وضعیت موجود

بر اساس آخرین گزارش فصلی پایش امنیت سرمایه‌گذاری مرکز پژوهش‌های مجلس (تابستان ۱٤۰۲)، استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر شاخص امنیت سرمایه‌گذاری، با شاخص عددی ٦/۱۷ نامناسب‌ترین استان کشور بوده است.[۱] همچنین، شاخص عددی استان کهگیلویه و بویراحمد در هر چهار گزارش اخیر بالاتر از میانگین کشوری بوده است که نشان از پایین بودن امنیت سرمایه‌گذاری در این استان دارد. همچنین بر اساس نماگر عملکرد دولت، استان کهگیلویه و بویراحمد با شاخص عددی ٦/۹٤، بیست‌ویکمین استان کشور بوده و از شاخص میانگین کشوری (٦/٥۹) نیز بالاتر بوده است. بر اساس نماگر ثبات اقتصاد کلان، این استان با شاخص عددی ٦/۳۰ دارای رتبه ۲۰ از بین ۳۱ استان کشور بوده و از شاخص میانگین کشوری (٥/۷۸) نیز بالاتر بوده است. همچنین بر اساس نماگر فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی، این استان با شاخص عددی ٦/۱۲، دارای رتبه ۲۳ از میان استان‌های کشور بوده که باز از شاخص میانگیت کشوری (٥/٦۸) بالاتر بوده است. بر اساس نماگر بعدی یعنی تعریف و تضمین حقوق مالکیت، استان کهگیلویه وبویراحمد با شاخص عددی ٦/۳٦، دارای رتبه ۲٤ بوده و شاخص عددی آن از میانگین کشوری (٥/٦٥)

[۱] - عدد ۱۰ نامناسب‌ترین و صفر مناسب‌ترین عدد شاخص است و هر چه شاخص به صفر نزدیک‌تر باشد، بهتر و هر چه عدد شاخص بالاتر و به ۱۰ نزدیک‌تر باشد بدتر و نامناسب‌تر است.

بالاتر بوده است. بر اساس نماگر ثبات و پیش‌بینی پذیری مقررات و رویه‌های اجرایی، رتبه این استان ۳۰ بوده (با شاخص عددی ۵/۸۲) در حالی‌که شاخص میانگین کشوری ۵/۱۵ بوده است. همچنین بر اساس نماگر شفاقیت و سلامت اداری استان کهگیلویه و بویراحمد با شاخص عددی ۵/٦۲، بیست‌و ششمین استان کشور بوده و همچنان از نظر عدد شاخص بالاتر از میانگین کشوری (۵/۱۲) بوده است. از نظر نماگر مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض نیز رتبه این استان، ۳۰ بوده و با شاخص عددی ۵/٦۳ به مراتب بالاتر از میانگین کشوری (٤/۷۱) بوده است. از این‌رو، نتایج حاکی از آن بوده که در تمامی نماگرهای مربوط به شاخص امنیت سرمایه‌گذاری وضعیت استان کهگیلویه و بویراحمد از میانگین کشوری بدتر بوده است. اگرچه، آمارهای منظم و دقیقی از حجم سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد منتشر نشده یا وجود ندارد، اما گزارش‌ها و آمارهایی که از برخی سال‌ها به‌صورت نامنظم منتشر شده است نشان می‌دهد که این استان در مقایسه با سایر استان‌های کشور از نظر جذب سرمایه‌گذاری وضعیت مناسبی ندارد. بر اساس گزارش سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در سال ۱۳۹۹، در بین ۳۱ استان، استان کهگیلویه و بویراحمد در کنار استان‌هایی نظیر مازندران، لرستان، گلستان، چهارمحال و بختیاری و ایلام هیچ طرح مصوبی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی نداشته‌اند . آمار مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد که میزان سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده در استان کهگیلویه و بویراحمد به‌ترتیب در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ به ترتیب ۳۸۱٦/۲۱، ٤۱۱۰، ۱۷٤۱، صفر و ۱٦٦۲/۵ (بر حسب هزار دلار) بوده که نسبت به اغلب استان‌های کشور، وضعیت نامناسب‌تری بوده است (بانک داده‌های اقتصادی عددسرا).[۱] همچنین رتبه‌بندی کلی استان‌ها از نظر سرمایه‌گذاری در سال ۹۱ حاکی از آن بوده است که از نظر جذب سرمایه‌گذاری، استان‌های تهران و اصفهان در رتبه‌های نخست و استان‌های ایلام و کهگیلویه و بویراحمد در رتبه‌های آخر قرار داشته‌اند (سخائی و همکاران، ۱۳۹٤). برخی شاخص‌های اقتصادی نظیر تورم، بیکاری و تولید ناخالص داخلی در استان نیز می‌توانند تأییدی بر وضعیت نامناسب سرمایه‌گذاری و نیاز مبرم این استان به جذب سرمایه‌گذاری باشند. به‌عنوان مثال، بر اساس گزارش‌های منتشر شده از مرکز آمار ایران درباره نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به اسفند ۱٤۰۰ و همچنین اردیبهشت ۱٤۰۱برای خانوارهای کشور، بیشترین نرخ تورم ۱۲ ماهه در هر دو دوره مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد به‌ترتیب با ٤۸/۲ درصد و ٤٦/۷ درصد بوده است. نرخ بیکاری استان کهگیلویه و بویراحمد در مقایسه با سایر استان‌های کشور در سطح متوسطی قرار دارد؛ این استان از نظر نسبت اشتغال در سطح پایین‌تری نسبت به سایر استان‌های کشور قرار دارد و تعداد افراد شاغل در این استان نسبتاً پایین است که این امر نشان می‌دهد در این استان، فرصت‌های شغلی کمتری برای جمعیت فعال وجود دارد. همچنین، از نظر نرخ مشارکت اقتصادی، استان کهگیلویه و بویراحمد در سطح متوسطی قرار دارد که نشان می‌دهد در این استان، جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر نسبت به سایر استان‌ها، تمایل بیشتری به مشارکت در نیروی کار دارند (مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری، ۱٤۰۲). به‌طورکلی، در سال‌های اخیر به‌طور متوسط سهم استان کهگیلویه و بویراحمد ۲ تا ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور بوده است. علاوه بر این، بر اساس گزارش بررسی ساختار اقتصادی استان های کشور که در سال ۱٤۰۰ توسط پژوهشکده

۱- لازم به توضیح است که آمار مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی به تفکیک استان‌ها فقط از سال ۸۹ تا ۹۳ موجود بوده و بعد از آن منتشر نشده است.

آمار منتشر شده است، استان کهگیلویه و بویراحمد در کنار استان‌های خراسان جنوبی، ایلام، کردستان، خراسان شمالی، لرستان، گلستان و چهارمحال‌وبختیاری کمترین مشارکت در ایجاد ارزش افزوده در بخش صنعت را داشته‌اند (هر کدام از آن‌ها زیر یک درصد و مجموع آن‌ها کمتر از ۵ درصد). بنابراین با توجه به قابلیت‌ها، تنگناها و مسائل موجود، توسعه استان بر پایه سرمایه‌گذاری در حوزه‌های گردشگری، صنعت و کشاورزی استوار خواهد بود و شناسایی وانع و چالش‌های افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف استان ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۵- پیشینه پژوهش

در جدول (۲) به مهم‌ترین مطالعات انجام شده در داخل و خارج کشور در خصوص موضوع مورد بررسی، پرداخته شده است.

جدول (۲) برخی مطالعات داخلی و خارجی انجام شده

محققین (سال)	عنوان مطالعه	الگو و روش مطالعه	نتایج مطالعه
البوخنفر (۱۳۹۹)	بررسی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری بندر تجاری شادگان استان خوزستان	پرسش‌نامه و آزمون آماری تی استیودنت	تأیید اثرات عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی، سازمانی و مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی و عوامل تکنولوژیکی بر سرمایه-گذاری در اداره کل بندر تجاری شادگان استان خوزستان
سعادت مهر (۱۳۹۸)	شناسایی موانع غیر اقتصادی جذب سرمایه‌گذاری (مطالعه موردی: استان لرستان)	ابزار پرسشنامه و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری	به‌ترتیب موانع سیاسی امنیتی، موانع فرهنگی اجتماعی، موانع بروکراتیک، موانع زیرساختی و موانع قانونی و قضایی در عدم جذب سرمایه‌گذاری در استان لرستان موثر بوده‌اند.
خاتونیان (۱۳۹۶)	بررسی تأثیر فرهنگ بر میزان سرمایه‌گذاری در صنایع تولیدی استان کهگیلویه و بویراحمد	ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته	اثرگذاربودن داشتن فرهنگ سازمانی پایدار و غنی و تلاش برای ایجاد چنین فرهنگی بر میزان سرمایه‌گذاری در واحد تولیدی
شهسواری (۱۳۹۶)	شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر برجذب	ابزار پرسشنامه و تحلیل سلسله مراتبی فازی	موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در استان قزوین به

	سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت استان قزوین		ترتیب اولویت عبارت بوده اند از: عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل زیرساختی و عوامل انسانی و طبیعی
سرپرست و اخمادوف[1] (۲۰۲۲)	شناسایی و رتبه‌بندی عوامل سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه مناطق آزاد تجاری ایران با استفاده از رویکرد MCDM	آزمون‌های آماری و تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM)	اولین و مهم‌ترین معیار، مسائل مدیریتی و پس از آن برنامه‌ریزی استراتژیک، زیرساخت‌ها، سیاست‌های اقتصادی، قوانین و مقررات و در نهایت مکان‌یابی است. در مرحله بعد مهم ترین عامل مربوط به امکانات و زیرساخت ها و به دنبال آن وجود منابع طبیعی و تخصیص بودجه عمومی است.
اولافمی و اکوندایو[2] (۲۰۱٦)	تأثیر هزینه‌های امنیتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نیجریه	آزمون هم‌جمعی جوهانسون (Johansen) و مکانیسم تصحیح خطا (ECM)	تأثیر معنی‌دار امنیت بر سرمایه-گذاری در نیجریه
الکسیس و همکاران[3] (۲۰۱٤)	بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و قضایی در کنار عوامل اقتصادی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای آمریکای لاتین	پانل دیتا	تأثیر عوامل اقتصادی بر سرمایه‌گذاری در محیط‌هایی که به‌لحاظ شاخص‌های سیاسی، اجتماعی و قضایی مناسب‌تر باشند، بیشتر است.

با مروری بر پیشینه داخلی و خارجی پژوهش مشخص می‌شود که پژوهش حاضر برای نخستین بار با رویکردی میدانی و تا حدودی جامع به بررسی و شناسایی مهمترین چالش‌ها و موانع افزایش سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد به‌عنوان یکی از استان‌های محروم کشور و بیان راهکارهایی جهت افزایش سرمایه‌گذاری در این استان

[1]- Sarparast & Akhmadeev
[2]- Olufemi & Ekundayo
[3]- Alexis et al

پرداخته است؛ چراکه، که تاکنون هیچ پژوهش مشابهی در رابطه با سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد انجام نشده است.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر، براساس چگونگی بدست‌آوردن داده‌های موردنیاز و از نظر طبقه‌بندی پژوهش‌ها با توجه به هدف آن‌ها، در زمره پژوهش‌های توصیفی قرار می‌گیرد و از حیث نوع، میدانی – کاربردی و از حیث روش، توصیفی- پیمایشی است و با روش دلفی انجام می‌شود. اطلاعات موردنیاز در این پژوهش از طریق مصاحبه، پرسشنامه، مطالعه اسناد و مدارک و مقالات علمی گذشته گردآوری شده است. جهت تدوین مبانی، تعاریف و مفاهیم نظری از منابع کتابخانه‌ای، سایت‌ها و منابع اطلاعاتی کشور و استان استفاده شده است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنظر و سنجش شاخص‌های مورد سنجش در این پژوهش، پیش از آن‌که در قالب پرسش‌نامه به نظرسنجی افراد گذاشته شود، در معرض قضاوت چند تن از کارشناسان خبره و صاحب‌نظر قرار گرفته و پس از چندین بار بازنویسی، ایجاد روانی متن و حذف تعدادی از سؤالات، پرسش‌نامه روایی لازم را پیدا نموده است. نهایتاً از پرسشنامه مورد توافق به‌عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. سؤالات پرسش‌نامه از نوع مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای شامل بسیارکم، کم، متوسط، زیاد و بسیارزیاد می‌باشد. در نهایت، بعد از شناسایی چالش‌ها و موانع سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد، از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای اولویت‌بندی چالش-های مورد نظر استفاده می‌شود .فرآیندتحلیل سلسله مراتبی چارچوبی را ایجاد میکند که به کمک آن تصمیمات مناسب برای موضوعات پیچیده، با ساده نمودن و هدایت مراحل تصمیمگیری اتخاذ می شود (شاطری و همکاران ، 1397،۱۰۱۷).لازم به ذکر است، جامعه‌ی آماری دراین پژوهش، نخبگان بومی، سرمایه‌گذاران، صاحبان صنایع، پیمانکاران و صاحب‌نظران در این حوزه است، که به دلیل محدود بودن حجم نمونه، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی خوشه‌ای استفاده می‌شود که در آن از بین گروه‌های فوق الذکر چندین خبره انتخاب شده و از آن‌ها مصاحبه به‌عمل آمده است. بررسی پاسخ‌های خبرگان و متخصصین حاکی از آن بوده است که بعد از تکمیل ۱۶ پرسشنامه نظرات تکراری شده و به اصطلاح نظرات خبرگان با هم یکی شده است (اصل اشباع نظری)، بنابراین نمونه انتخابی شامل ۱۶ نفر از جامعه مورد مطالعه بوده است.

٤- تجزیه و تحلیل داده‌ها

٤-۱- آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

در ابتدا آمار توصیفی مربوط به جمعیت نمونه ارائه شده است. با توجه به نمودار (۱) از میان جامعه آماری مورد مطالعه (خبرگان) ٦ درصد زن و ۹٤ درصد مرد بوده‌اند.



نمودار (۱) وضعیت جنسیت پاسخ دهندگان

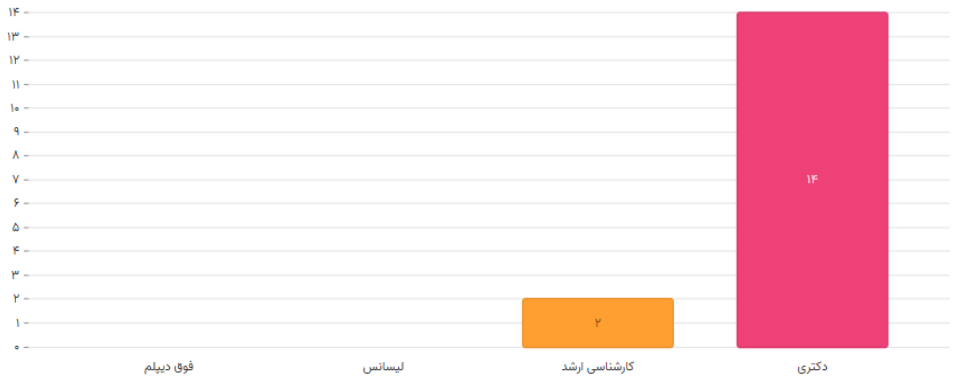
. آمار توصیفی مربوط به سن پاسخ‌دهندگان در جدول (۳) آورده شده است. از میان پاسخ‌دهندگان، کمترین سن ۳۱ و بیشترین سن ٤۷ سال بوده است. بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به سن ٤۰ سال (۳ نفر) و سن ۳۵ سال (۳ نفر) و ۳۳ سال (۳ نفر) بوده است. همچنین، از میان پاسخ‌دهندگان ۱ نفر ۳۱ ساله، ۲ نفر ۳۷ ساله و ۱ نفر ۳۹ ساله و ۳ نفر بالاتر از ٤۰ سال بوده‌اند. به‌طور کلی، میانگین سن پاسخ دهندگان ۳۷/۵٦ بوده است.

جدول (۳) آمار توصیفی مربوط به سن پاسخ‌دهندگان

سن	فراوانی	درصد فراوانی
۳۱	۱	٦/۲ درصد
۳۳	۳	۱۸/۷ درصد
۳۵	۳	۱۸/۷ درصد
۳۷	۲	۱۲/۵ درصد
۳۹	۱	٦/۲ درصد
٤۰	۳	۱۸/۷ درصد
٤۲	۱	٦/۲ درصد
٤٤	۱	٦/۲ درصد
٤۷	۱	٦/۲ درصد
جمع	۱٦	۱۰۰ درصد

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس
۳۷/۵٦	۳۷	٤۰و۳۵و۳۳	٤/٤٤	۱۹/۷۳

در نمودار (۲) نیز توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب سطح تحصیلات آمده است. مشاهده می‌شود که از بین ۱٦ نفر، ١٤ نفر دکتری (۸۷/۵ درصد) و ۲ نفر کارشناسی ارشد (۱۲/۵ درصد) بوده‌اند.



نمودار (۲) وضعیت تحصیلات پاسخ‌دهندگان

٤-۲- آمار توصیفی مربوط به چالش‌های مختلف شناسایی‌شده

در این بخش به بررسی نتایج پرسش‌نامه‌ها و آمار توصیفی چالش‌ها و مشکلات شناسایی‌شده پرداخته خواهد شد. آمار مطرح‌شده در قالب جدول (٤) نشان داده شده‌اند. این جدول نشان‌دهنده میانگین، میانه، مد، انحراف معیار و واریانس داده‌هایی است که از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده توسط جامعه آماری (خبرگان) در جهت شناسایی چالش‌ها و مشکلات افزایش سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد به‌دست آمده‌اند.

جدول (٤) آمار توصیفی مربوط به چالش‌های مختلف شناسایی‌شده

	چالش‌ها و موانع پیش رو							
	ساختارهای نهادی ضعیف و ضد توسعه (از قبیل رانت جویی مبتنی بر منافع فردی و طایفه ای)	عدم وجود شایسته سالاری در انتصابات مدیران استانی (قومی و قبیله ای بودن انتخاب افراد)	دخالت زیاد سیاسیون و نمایندگان مجلس در تصمیمات اقتصادی (سایه سنگین نمایندگان در حوزه های مختلف قوه مجریه)	کمبود منابع مالی و اعتباری در استان و همچنین نامناسب بودن نحوه تخصیص وام ها و تسهیلات در استان	کوچک بودن و عقب ماندگی تاریخی اقتصاد استان	ملی بودن درآمدهای استانی	عدم سرمایه گذاری دولت ها در سنوات گذشته در طرح های بزرگ مقیاس و مقیاس متوسط	محدود بودن تعداد پروازهای فرودگاه مرکز استان و روند نامنظم پروازها
تعداد	١٦	١٦	١٦	١٦	١٦	١٦	١٦	١٦
میانگین	٤/٠٦	٤/٣١	٤,٢٥	٤	٣/٤٤	٣/٤٤	٣/٦٣	٣/١٣
میانه	٤/٥	٤	٤/٥	٤	٣/٥	٣	٣/٥	٣
مد	٥	٤	٥	٥	٣	٣	٣/٥	٢

انحراف معیار	۱/۲٤	۰/٦	۰/۹۳	۰/۹۷	۱/۳۱	۱/۳٦	۱/۱٥	۱/۲
واریانس	۱/٥۳	۰/۳٦	۰/۸۷	۰/۹۳	۱/۷۳	۱/۸٦	۱/۳۲	۱/٤٥
چالش‌ها و موانع پیش رو								
	ضعف زیرساخت های مختلف از جمله زیرساخت های حمل و نقل ریلی، هوایی و زمینی (نبود بزرگراه، اتوبان و راه آهن و...)	قیمت تقریبا یکسان حامل های انرژی در کشور و سوق دادن سرمایه گذاران به سمت مناطق برخوردار و پرجمعیت	پرداخت یارانه پنهان فراوان به مناطق برخوردار و عدم بهره مندی مناطق محروم از آن ها	بهره وری پایین نیروی کار و هزینه بالای تولید در استان	فاصله زیاد از بازارهای مصرف و هزینه بالای حمل و نقل برای کالاهای تولیدی	ناکارآمدی در بهره برداری از منابع طبیعی	فقر گسترده و محرومیت بالای استان	عدم تمایل شرکت های بزرگ برای سرمایه گذاری در استان
تعداد	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦
میانگین	۳/۹٤	۳/۷٥	۳/٦۹	۲/۹٤	۲/۸۱	۳/٤٤	۳/۷٥	٤/۱۳
میانه	٤	٤	٤	۳	۳	۳/٥	٤	٤
مد	٥	٤/٥	٤	۳	٤	۳/٤	٤/٥	٥
انحراف معیار	۱/۱۲	۱/۱۳	۱/۱٤	۱/۲٤	۱/۲۸	۱/۱٥	۱/۱۳	۰/۹٦
واریانس	۱/۲٦	۱/۲۷	۱/۳	۱/٥۳	۱/٦۳	۱/۳۳	۱/۲۷	۰/۹۲
چالش‌ها و موانع پیش رو								
	سطح پایین اعتماد اجتماعی در کشور و استان	تعاملات ضعیف و اندک در بین مدیران استانی و عدم وجود هم افزایی میان دستگاه های متولی	پایین بودن حجم نسبی پول در استان نسبت به سایر استان ها (نسبت به جمعیت)	نبود فضای فرهنگی مناسب برای ارتباط با سرمایه گذاران و نیز فرهنگ پایین سرمایه گذاری و کارآفرینی	نبود اهتمام سیاسی لازم برای فراهم آوردن امکانات لازم برای سرمایه گذاران و اولویت نداشتن توسعه سرمایه گذاری در استان	قوانین سخت و دست و پاگیر دولتی و وجود بروکراسی بالا در استان	عدم وجود یا ناقص بودن زنجیره های ارزش اقتصادی و صنعتی در استان	تعصبات مختلف قومی و قبیله ای

تعداد	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
میانگین	۳/۶۳	۳/۵۶	۳/۳۱	۳/۷۵	۳/۹٤	۳/۶۳	۳/۹٤	۳/۸۸
میانه	٤	٤	۳/۵	٤	٤	٤	٤	٤
مد	٤	٤	٤	۵	٤	٤	٤	۳/۵
انحراف معیار	۱/۰۹	۱/۰۹	۱/۲۵	۱/۳٤	۱/۰٦	۱/۰۹	۰/۹۳	۱/۰۲
واریانس	۱/۱۸	۱/۲	۱/۵٦	۱/۸	۱/۱۳	۱/۱۸	۰/۸٦	۱/۰۵
چالش‌ها و موانع پیش رو								
	عدم شناخت درست سرمایه گذاری و عوامل موثر بر آن توسط اغلب مسئولین استانی و نبود آگاهی نسبت به مزایای سرمایه گذاری	نداشتن نیروهای کارآمد و تاثیرگذار در مراکز و موسسات سرمایه گذاری بزرگ در سطح کشور	ترس از بی ثباتی سیاسی و قانون گذاری در کشور	نبود قوانین شفاف و پایدار برای حمایت از سرمایه گذاران	تعداد فراوان نهادهای تصمیم گیر و بعضا مداخلات فراوان و غیرقانونی نهادهای غیر مرتبط	وجود محدودیت های قانونی برای سرمایه گذاران خارجی	تمرکز گرایی در تصمیم گیری ها و عدم تفویض اختیارات سرمایه گذاری به مناطق محروم	وجود فساد و رانت در سیستم اداری
تعداد	۱۵	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
میانگین	۳/۸۷	۳/۶۹	۳/۳۸	۳/۳۸	۳/۵	۳/۵	۳/۳۸	٤/۱۳
میانه	٤	٤	۳/۵	۳	٤	۳	۳/۵	٤
مد	۳/۵	۳/٤	۵و٤و۲	۳	٤	۳	۳/۵	۵
انحراف معیار	۰/۹۹	۰/۸۷	۱/۳۱	۰/۹٦	۱/۰۳	۰/۸۲	۱/۰۹	۰/۸۹
واریانس	۰/۹۸	۰/۷٦	۱/۷۲	۰/۹۲	۱/۰۷	۰/٦۷	۱/۱۸	۰/۷۸
چالش‌ها و موانع پیش رو								
	طولانی بودن و هزینه های فراوان فرآیند اخذ مجوزها	نبود مشوق های مالیاتی و اعتباری ویژه برای سرمایه گذاری در مناطق محروم	مناقشات و تعارضات فراوان با ادارات منابع طبیعی و محیط زیست استان	انواع حرایم قانونی محدود کننده (حرایم منابع طبیعی، حرایم آبراهه ای، حرایم مناطق حفاظت شده و حرایم انتقال خطوط گاز)	بنا نشدن سیستم برنامه ریزی، تصمیم سازی و ارزشیابی در استان بر مبنای شاخص های علمی، تخصصی و کارشناسی	عدم امنیت سرمایه گذار در استان	عدم وجود پایانه صادراتی در استان	پایین بودن سطح تکنولوژی در استان و نیز بالا بودن هزینه ورود تکنولوژی به داخل استان

تعداد	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦
میانگین	۳/٥	۳/٦۳	۳	۲/۸۱	۳/٥	۳/۳۱	۳/۷٥	۳/٤٤
میانه	٤	٤	۳	۳	٤	۳/٥	٤	٤
مد	٤	٤	۳	۳	٤	٤	٤	٤
انحراف معیار	۱/۱٥	۰/۹٦	۱/۲۱	۱/۲۲	۱/۳۲	۱/۳	۰/۹۳	۱/۰۹
واریانس	۱/۳۳	۰/۹۲	۱/٤۷	۱/٥	۱/۷۳	۱/۷	۰/۸۷	۱/۲
چالش‌ها و موانع پیش‌رو								
	جذب نکردن به موقع اعتبارات و برگشت آن ها	معارض-های محلی تا درگیری با سرمایه-گذار و ایجاد کارشکنی برای سرمایه-گذاری	فرار و مهاجرت نخبگان اقتصادی، علمی و فرهنگی استان و عدم تمایل نیروهای متخصص به ماندن در استان	عدم بهره‌مندی مطلوب از رسانه ها به عنوان عامل و ابزاری در خدمت توسعه استان	کمبود امکانات رفاهی و تفریحی و عدم تغییر در چهره شهرها	محدودیت در ایجاد فرصت-های شغلی جدید و بالا بودن نرخ بیکاری در استان	کمبود زیرساخت ها، تاسیسات و تجهیزات در عرصه گردشگری استان	
تعداد	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	۱٦	
میانگین	۳	۳/٤٤	٤	۳/٥	۳/٥	۳/۱۳	۳/۸۸	
میانه	۳	۳	٤	۳	٤	۳	٤	
مد	۳	۳	٤	۳	٤	۳	٤/٥	
انحراف معیار	۱/۱	۱/۰۹	۰/۸۹	۱/۲٦	۱/۱٥	۱/۱٥	۱/۳۱	
واریانس	۱/۲	۱/۲	۰/۸	۱/٦	۱/۳۳	۱/۳۳	۱/۷۲	

منبع: یافته‌های پژوهش

از آن‌جا که اولویت‌بندی دقیق با استفاده از نرم افزار اکسپرت چویس[1]با محدودیت تعداد شاخص‌ها روبه‌رو بوده و با افزایش تعداد پرسش‌های مقایسات زوجی، احتمال افزایش خطای پاسخ‌دهندگان بالا است، بنابراین، بر اساس میانگین مربوط به انتخاب هر کدام از چالش‌ها و موانع شناسایی شده، ۱۰ مورد به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌ها انتخاب شده و در ادامه با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و با استفاده از نرم‌افزار اکسپرت چویس اولویت‌بندی شده‌اند.

[1]- Expert Choice

٤-٣- اولویت‌بندی مهم‌ترین چالش‌هایشناسایی‌شده

پس از مشخص شدن مقوله‌های مورد نظر به‌عنوان چالش‌ها و موانع افزایش سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد، به تحلیل کمی پژوهش برای اولویت‌بندی چالش‌ها و موانع پرداخته شده است. براین اساس، اولویت‌بندی این چالش‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسپرت چویس و به‌کارگیری فرآیند تحلیل سلسله مراتبی انجام شده و موانع دو به دو با هم مقایسه شده‌اند. همان‌طور که از جدول (٥) و همچنین نمودار (٣) قابل مشاهده است، از میان چالش‌ها و موانع ذکر شده[1] دخالت زیاد سیاسیون و نمایندگان مجلس در تصمیمات اقتصادی (سایه سنگین نمایندگان مجلس در حوزه‌های مختلف قوه مجریه) دارای بالاترین اولویت، عدم وجود شایسته‌سالاری در انتصابات مدیران استانی (قومی و قبیله‌ای بودن انتخاب افراد) در اولویت دوم، ساختارهای نهادی ضعیف و ضد توسعه (از قبیل رانت‌جویی مبتنی بر منافع فردی و طایفه‌ای) در اولویت سوم، نبود اهتمام سیاسی لازم برای فراهم آوردن امکانات لازم برای سرمایه‌گذاران و اولویت نداشتن توسعه سرمایه‌گذاری در استان در اولویت چهارم، وجود فساد و رانت در سیستم اداری استان در اولویت پنجم، عدم وجود یا ناقص‌بودن زنجیره‌های ارزش اقتصادی و صنعتی در استان در اولویت ششم، کمبود زیرساخت‌ها، تأسیسات و تجهیزات در عرصه گردشگری استان در اولویت هفتم، عدم تمایل شرکت‌های بزرگ برای سرمایه‌گذاری در استان در اولویت هشتم، فرار و مهاجرت نخبگان اقتصادی، علمی و فرهنگی استان و عدم تمایل نیروهای متخصص به ماندن در استان در اولویت نهم و عدم وجود پایانه صادراتی در استان در اولویت دهم قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که ضریب ناسازگاری کلی[2] به‌دست آمده کمتر از ٠/١ (برابر با ٠/٠٠٤٦٩) بوده که تأییدی بر تکمیل دقیق پرسش‌نامه توسط افراد و صحت اولویت‌بندی انجام شده است.

جدول (٤-٣) اولویت بندی چالش‌ها و موانع شناسایی شده با روش AHP بر اساس درجه اهمیت

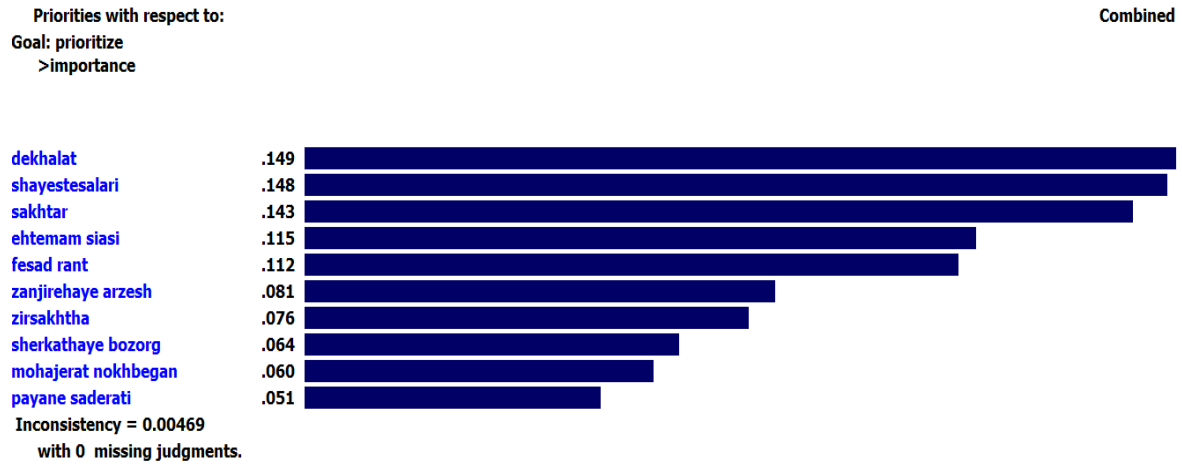
موانع و چالش‌ها	ارزش	اولویت‌ها	رتبه
ساختارهای نهادی ضعیف و ضد توسعه (از قبیل رانت‌جویی مبتنی بر منافع فردی و طایفه‌ای)	٠/١٤٣	٠/٩٥	٣
عدم وجود شایسته‌سالاری در انتصابات مدیران استانی (قومی و قبیله‌ای بودن انتخاب افراد)	٠/١٤٨	٠/٩٩	٢
دخالت زیاد سیاسیون و نمایندگان مجلس در تصمیمات اقتصادی (سایه سنگین نمایندگان مجلس در حوزه‌های مختلف قوه مجریه)	٠/١٤٩	١/٠٠	١
عدم تمایل شرکت‌های بزرگ برای سرمایه‌گذاری در استان	٠/٠٦٤	٠/٤٣	٨
نبود اهتمام سیاسی لازم برای فراهم آوردن امکانات لازم برای سرمایه‌گذاران و اولویت نداشتن توسعه سرمایه‌گذاری در استان	٠/١١٥	٠/٧٧	٤
عدم وجود یا ناقص‌بودن زنجیره‌های ارزش اقتصادی و صنعتی در استان	٠/٠٨١	٠/٥٤	٦
عدم وجود پایانه صادراتی در استان	٠/٠٥١	٠/٣٤	١٠

[1] - پس از جمع‌بندی نتایج پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط خبرگان، چالش‌های کم‌اهمیت‌تر حذف و نهایتاً ١٠ چالش به‌عنوان چالش‌ها و موانع مهم شناسایی شدند که در این قسمت بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسشنامه دوم که به‌صورت مقایسات زوجی تهیه و توزیع شده و وارد کردن این اطلاعات به نرم افزار اکسپرت چویس، به ترتیب درجه اهمیت اولویت‌بندی خواهند شد.

[2]- Inconsistency Overall

فرار و مهاجرت نخبگان اقتصادی، علمی و فرهنگی استان و عدم تمایل نیروهای متخصص به ماندن در استان	۰/۰٦۰	۰/٤۰	۹
کمبود زیرساخت‌ها، تأسیسات و تجهیزات در عرصه گردشگری استان	۰/۰۷٦	۰/۵۱	۷
وجود فساد و رانت در سیستم اداری استان	۰/۱۱۲	۰/۷۵	۵

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار (۳) اولویت‌بندی نهایی (ترکیب نظرات ١٦ نفر) چالش‌ها و موانع افزایش سرمایه‌گذاری در استان بر اساس درجه اهمیت

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش موانع و چالش‌های جذب و افزایش سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد (با به‌کارگیری روش دلفی و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی) شناسایی و اولویت‌بندی شد. این چالش‌ها و موانع به ترتیب اولویت عبارتند از: دخالت زیاد سیاسیون و نمایندگان مجلس در تصمیمات اقتصادی (سایه سنگین نمایندگان مجلس در حوزه‌های مختلف قوه مجریه)، عدم وجود شایسته‌سالاری در انتصابات مدیران استانی (قومی و قبیله‌ای بودن انتخاب افراد)، ساختارهای نهادی ضعیف و ضد توسعه (از قبیل رانت‌جویی مبتنی بر منافع فردی و طایفه‌ای)، نبود اهتمام سیاسی لازم برای فراهم آوردن امکانات لازم برای سرمایه‌گذاران و اولویت نداشتن توسعه سرمایه‌گذاری در استان، وجود فساد و رانت در سیستم اداری استان، عدم وجود یا ناقص‌بودن زنجیره‌های ارزش اقتصادی و صنعتی در استان، کمبود زیرساخت‌ها، تأسیسات و تجهیزات در عرصه گردشگری استان، عدم تمایل شرکت‌های بزرگ برای سرمایه-گذاری در استان، فرار و مهاجرت نخبگان اقتصادی، علمی و فرهنگی استان، عدم تمایل نیروهای متخصص به ماندن در استان و عدم وجود پایانه صادراتی در استان.

واقعیت این است که این استان با وجود ظرفیت‌های فراوان، دارای مشکلات اقتصادی بیشتری نسبت به استان‌های دیگر است؛ بنابراین جذب سرمایه‌گذار و افزایش سرمایه‌گذاری در استان همواره یکی از دغدغه‌های مهم مسئولان اقتصادی استان بوده است.

بعد از مشخص شدن مهم‌ترین چالش‌ها و موانع جذب و افزایش سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌توان راه‌های برون‌رفت از آن‌ها را به‌عنوان راهکارهای افزایش سرمایه‌گذاری در استان پیشنهاد نمود. به‌عبارتی، برای افزایش سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاران باید گام‌هایی در جهت زدودن موانع و رفع چالش‌ها و مشکلات پیش‌روی آنان برداشته شود؛ از این‌رو، در ادامه مهم‌ترین راهکارهای افزایش سرمایه‌گذاری در استان کهگیلویه و بویراحمد به‌ترتیب اولویت ارائه خواهند شد:

- ✓ **کاهش دخالت سیاسیون و نمایندگان مجلس در تصمیمات اقتصادی: سایه سنگین سیاسیون و نمایندگان مجلس بر تصمیمات استانی خود می‌تواند ریشه چالش‌های دیگری نظیر انتخاب مدیران ناکارآمد و عدم وجود شایسته سالاری در انتخاب مدیران، رانت، توزیع نامناسب و ناعادلانه منابع و غیره باشد، چه بسا در استان کهگیلویه و بویراحمد نسبت به سایر استان‌ها این دخالت‌ها به مراتب بیشتر است. از این‌رو، اگر به صورت قانونی یا به طرق دیگر بتوان دخالت و نقش سیاسیون و نمایندگان در انتخاب مدیران استانی و تصمیمات اقتصادی رانت‌جویانه را کاهش داد، می‌توان با ایجاد امنیت اقتصادی و کاهش ترس برای سرمایه‌گذاران، زمینه افزایش سرمایه‌گذاری در استان را افزایش داد.**
- ✓ **توجه به تخصص و توان مدیران استانی در انتخاب آن‌ها و کاهش تعصبات قومی، قبیله‌ای و سیاسی در انتخاب مدیران و مسئولین استانی: بسیاری از چالش‌های افزایش سرمایه‌گذاری در استان و عدم حضور سرمایه‌گذاران در استان به مدیران و مسئولین استانی برمی‌گردد. عدم وجود شایسته‌سالاری، عدم انتخاب مدیران بر اساس تخصص و توان مدیریتی و بعضاً انتخاب آن‌ها بر اساس فشارهای سیاسی، تعصبات قومی، قبیله‌ای و جناحی مشکلات و چالش‌های زیادی را در استان ایجاد کرده‌اند. در برخی مواقع عدم آگاهی و شناخت یک مدیر و مسئول و عدم تسلط وی به شرایط و مزایای سرمایه‌گذاری و نیازها و توقعات سرمایه‌گذاران موجب از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در استان خواهد شد. از این‌رو، برگزاری دوره‌های آموزش مدیران جهت بالابردن توان مدیریتی آنان و استفاده از مدیران توانمند و متخصص در استان می‌تواند راهگشا باشد.**
- ✓ **تقویت ساختارهای نهادی استان در جهت توسعه و ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی توسط افراد زیربط: ضعف ساختارهای نهادی از طریق ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی و افزایش ریسک فسخ قراردادها موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری خواهد شد.**
- ✓ **اولویت دادن به توسعه سرمایه‌گذاری در استان و افزایش اهتمام سیاسی برای فراهم کردن امکانات و زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاران: سیاسیون و نمایندگان استانی باید در جهت فراهم کردن امکانات و زیرساخت‌هایی نظیر بهبود سیستم حمل و نقل ریلی، هوایی و زمینی و توسعه بزرگراه، اتوبان و راه آهن در استان زمینه ورود سرمایه‌گذاران به استان را در جهت افزایش ارتباطات استان با بازارهای مصرفی تسهیل نمایند. چراکه، یکی از چالش‌های سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری**

در استان هزینه‌های بالای حمل‌ونقل به بازارهای مصرف و عدم دست‌رسی به منابع و امکانات و نبود زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری است.

- ✓ **کاهش فساد و رانت در سیستم اداری استان: گسترش فساد و رانت در سیستم اداری استان به دلایل مختلف، موجبات عدم امنیت سرمایه‌گذاران در قلمرو استانی و بدبینی آن‌ها نسبت به سرمایه‌گذاری در استان را فراهم آورده است. از این‌رو، وجود مرجعی که از صلاحیت کارشناسی لازم و همچنین استقلال و قدرت نظارتی کافی در جهت کاهش فساد و رانت در سیستم اداری برخوردار باشد، ضروری می-نماید.**
- ✓ **تکمیل و افزایش زنجیره‌های ارزش اقتصادی و صنعتی در استان: زنجیره ارزش طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های مربوط به مراحل مختلف تولید یک محصول، از تهیه تا تحویل نهایی آن را شامل می‌شود. برای تقویت زنجیره‌های ارزش اقتصادی در استان باید به ظرفیت‌ها و منابع موجود در استان نگاه ویژه داشت. توجه و تمرکز روی شرکت‌های دانش‌بنیان و واحدهای فناور استان که بعضاً متناسب با توان و ظرفیت‌های بالقوه استانی شکل گرفته‌اند تا حد زیادی می‌تواند به تقویت زنجیره‌های ارزش اقتصادی در استان کمک نماید.**
- ✓ **بهبود زیرساخت‌ها، تأسیسات و تجهیزات در عرصه گردشگری استان: ظرفیت‌های بالای استان در حوزه گردشگری و وجود منابع عظیم خدادادی در استان برای جذب گردشگر می‌تواند تا حد زیادی موجبات توسعه استان را فراهم نماید، اگرچه تاکنون چنین توفیقی حاصل نشده است. در واقع، یکی از ظرفیت-های مهم استانی برای جذب سرمایه‌گذاران و افزایش سرمایه‌گذاری در استان همین صنعت گردشگری است. نبود زیرساخت‌هایی مانند جاده دسترسی و کمبود آب و برق و گاز از جمله چالش‌های پیش‌روی سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری در استان است. از این‌رو، تقویت تأسیسات و تجهیزات گردشگری و اقامتی و بالابردن خدمات در این بخش، بهبود امکانات رفاهی و تفریحی و معرفی هر چه بهتر ظرفیت‌ها ومنابع گردشگری استان و نیز افزایش بودجه مرتبط به حوزه گردشگری و هدایت تسهیلات و اعتبارات استانی به‌سمت تقویت زیرساخت‌ها و امکانات گردشگری می‌تواند تا حد زیادی زمینه افزایش سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاران را فراهم نماید. برای رفع موانع و مشکلات سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری استان باید تمامی نهادهای مرتبط با گردشگری رویکردی هماهنگ و یکپارچه اتخاذ کنند. علاوه بر این، تسهیل قوانین و مقررات، حذف موازی‌کاری‌های اداری و تشکیل کارگروه‌های تخصصی می‌تواند تأثیر بسزایی بر بهبود وضعیت این بخش داشته باشد.**
- ✓ **فراهم کردن زمینه‌های حضور شرکت‌های بزرگ برای سرمایه‌گذاری در استان: در ابتدای امر جهت تقویت حضور شرکت‌های بزرگ در استان، مسئولان باید بتوانند ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سرمایه‌گذاری استان را در بخش‌های مختلف و به شکل‌های مختلف معرفی نمایند و لازم است به تهیه یک برنامه جهت شناسایی فرصت‌های متناسب با این ظرفیت‌های استانی به سرمایه‌گذاران اقدام گردد. از طرفی**

ایجاد تعاملات و ارتباطات قوی‌تر میان بخش خصوصی و دولتی، تسهیل قوانین و مقررات، ارائه ضمانت‌های دولتی، صدور مجوزها در حداقل زمان ممکن و ایجاد مشوق‌های مالیاتی نظیر افزایش بازه زمانی معافیت‌های مالیاتی و سایر اقداماتی که به‌نحوی امنیت سرمایه‌گذاری در استان رابالا می‌برد، می‌تواند تا حد زیادی کارساز باشد. به‌علاوه، الزام در اجرای پنجره واحد شهرستان‌ها یکی از زمینه‌های لازم برای حضور سرمایه‌گذاران در استان است؛ به‌عبارتی تفویض اختیار ادارات کل به واحدهای خود در سطح شهرستان در راستای تسریع در صدور مجوزات لازم و حضور نماینده تام‌الاختیار ادارات در کنار هم در سطح هر شهرستان ضروری است. همچنین، تسهیل شرایط اخذ وام و تسهیلات حمایتی از قبیل دوره بازپرداخت بیشتر، تنفس، کاهش وثایق لازم و ... برای سرمایه‌گذاران نیز می‌تواند مشوقی برای حضور سرمایه‌گذاران در استان باشد.

- ✓ **تلاش در جهت حفظ نخبگان اقتصادی، علمی و فرهنگی استان و افزایش تمایل نیروهای متخصص به ماندن در استان از طریق بها دادن و حمایت از آنان: فرار نخبگان علمی، فرهنگی و اقتصادی هر استان آن‌هم نه به دلایل شخصی بلکه به‌خاطر نبود زیرساخت‌هایی که از وجود آن‌ها بهره‌گیری نماید، علاوه بر محروم ماندن استان از خدمات آن‌ها، نوعی بدبینی نسبت به جغرافیای استان از نظر امنیت سرمایه-گذاری، نبود بازارکار و بهره‌وری پایین نیروی کار و غیره را نیز ایجاد خواهد نمود.؛ بنابراین مسئولان استانی باید در جهت حفظ سرمایه‌های انسانی خود بکوشند و شرایط و زیرساخت‌ها را برای ماندن این سرمایه‌ها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها در استان فراهم کنند.**
- ✓ **ایجاد و احداث پایانه صادراتی در استان: ضعف زیرساخت‌های صادراتی همچون پایانه صادراتی می‌تواند بر**

چشم‌انداز سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در استان اثر منفی بگذارد، چرا که وجود پایانه صادراتی به‌صورت یک مجموعه کامل ارائه‌دهنده خدمات در حوزه صادرات و تجارت است؛ بنابراین، با توجه به ظرفیت‌هایی که در زمینه‌های مختلف کشاورزی، صنایع دستی، صنعتی و غیره در استان وجود دارد باید نسبت به ایجاد پایانه‌های صادراتی در استان اهتمام ورزید. هدف اصلی پایانه صادراتی ایجاد هماهنگی و ارتباط تنگاتنگ بین نظام‌های تولید، سیستم توزیع و فرایند صادرات است که با ایجاد فرآیند بازاررسانی مناسب، توسعه صادرات استان را در پی دارد.

- ✓ **بهبود و تقویت منابع مالی و اعتباری در استان: در راستای تشویق و ترغیب سرمایه‌گذران به سرمایه-گذاری باید از سوی مسئولین استانی با رایزنی با دولت تسهیلات با سود پایین و بازپرداخت بلند مدت به همراه یارانه برای توسعه استان در نظر گرفته شود. همچنین، ارائه تسهیلات حمایتی کافی و حل مشکلاتی نظیر حذف یا کاهش وثایق جهت دریافت تسهیلات و نظارت دقیق بر نحوه حمایت‌ها و توزیع تسهیلات می‌تواند تا حد زیادی نحوه تخصیص وام‌ها و تسهیلات در استان را بهبود ببخشد.**

-4

فهرست منابع:

منابع داخلی:

ابراهیمی، مهرزاد، منصوریان طبائی، سعید و اسماعیلی، مهدی. (۱٤۰۰). اثرات بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی بر بحران بانکی در کشورهای در حال توسعه، نشریه *پژوهش‌های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب و کار*، ۲(۱)، ٤٤٦-٤۳۰.

ارشدی، وحید. (۱۳۸۲). بررسی ریشه‌های بی‌اعتمادی در فضای اقتصاد ایران (صنایع کوچک و متوسط)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی.

البوخنفر، هادی. (۱۳۹۹). بررسی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری بندر تجاری شادگان استان خوزستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.

برانسون، ویلیام. (۱۳۹۰). *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، چاپ هفدهم. نشر نی، تهران.

تقوی، مهدی و محمدی، حسین. (۱۳۸۸). تأثیر زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی ایران، *پژوهشنامه اقتصادی*، (۳۲)۹، ٤۲-۱۵.

شاطری,مفید , کاسب,ساغر و خداداد,مهدی . (۱۳۹۷). اولویت‌بندی روستاهای هدف گردشگری استان خراسان جنوبی با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره AHP و Topsis. *جغرافیا و روابط انسانی*.1032-1016

حسین‌زاده بحرینی, محمدحسین و ملک‌الساداتی, سعید. (۱۳۹۰). موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در ایران، *پژوهشنامه بازرگانی، (۵۹)۱۵، ۷٤-۲۵*.

خاتونیان، امیر. (۱۳۹٦). بررسی تأثیر فرهنگ بر میزان سرمایه‌گذاری در صنایع تولیدی استان کهگیلویه و بویراحمد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.

دودانگی، محمد. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، (۲۳)٦، ۱٤۷-۱۳۱*.

دهقانی، الهام. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر جهت مشارکت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و کارآفرینان در صنایع منتخب استان کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان‌وبلوچستان.

رهبر، فرهاد، مظفری‌خامنه، فرشید و محمدی، شاهپور. (۱۳۸٦). موانع سرمایه‌گذاری و تاثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران، .*مجله تحقیقات اقتصادی*، (٤)٤۲.

سخائی، عمادالدین، فهیمی فر، فاطمه و فهیمی فر، فرزاد. (۱۳۹٤). پایش عملکرد و رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های حوزه وزارت امور اقتصادی و دارایی، مجله اقتصادی، (۱۲و۱۱) ۱۵، ۲٦-۵.

سعادت‌مهر، مسعود. (۱۳۹۸). شناسایی موانع غیراقتصادی جذب سرمایه‌گذاری (مطالعه موردی: استان لرستان). *مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)*، (٤و۳)، ۱۹، ۹٦-٦۵.

سعیدی، علی و میعادی، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی موانع عمده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از دیدگاه سرمایه گذاران خارجی، *پژوهشنامه اقتصادی*، (٤۱)۱۱، ۲۰۰-۱۸۱.

سویزی، محسن و محمدی، فریبرز. (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، *فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری*، (۳)۲، ۱٤٦-۱۱۹.

شهسواری، محسن. (۱۳۹٦). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت استان قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی تاکستان.

صفری علی اکبری، مسعود ،کردوانی، پرویز و مرادی، فرزاد. (۱۳۹۰). تعیین زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای توسعه فعالیت‌های صنایع روستایی در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه، چشم‌انداز جغرافیایی، (۱٦)٦، ٦۹-۵۲.

علوی، سیدعباس و هاشمی، سیدمسلم. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، موانع، محدودیت‌ها و راهکارها، دبیرخانه کمیسیون‌های تخصصی اتاق ایران، شماره گزارش ۱۲۹۵۳۹.

فتحی علیرضا. (۱۳۹۲). جایگاه بهبود فضای کسب و کار در جذب سرمایه‌گذاری خارجی. *مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)*، (٤و۳) ۱۳، ۲۰-۵.

قادری، سیمین و دهمرده، نظر. (۱۳۹۲). تأثیر زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب شرق و غرب آسیا، جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، (۸)۳، ٦۸-٤۱.

قادری، علی . (۱۳۹۵). شناسایی عوامل موثر بر جاب سرمایه‌گذاری داخلی در مناطق آزاد تجاری و اولویت‌بندی آن با استفاده از تکنیک AHP منطقه آزاد اروند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، دانشکده مدیریت گروه مدیریت بازرگانی.

کردی، عبدالرحیم و خداپرست، مهدی. (۱۳۹۵). تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای درحال توسعه، *اقتصاد مالی*، (۳٦)۱۰، ۵۰-۳۳.

درخشان زاده,محمد و دادرس,بیژن . (۱۳۹۷). واکاوی چالش‌های توسعه گردشگری در استان کهگلویه و بویر احمد. جغرافیا و روابط انسانی, ۱(۲), ۸۲-۱۰۰.

مؤمنی جمشیدی و پیرحیاتی، علیرضا. (۱٤۰۲). شناسایی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر افزایش سرمایه‌گذاری در استان همدان، دهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، *مدیریت و کارآفرینی ایران*.

نظری، محمدجواد و هادیان، ابراهیم. (۱۳۹۸). شناسایی موانع جذب سرمایه‌گذاری در استان فارس، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، (۳)۱٦، ۱۹۰-۱۵۷.

هژبر کیانی، کامبیز و ناهیدی، محمدرضا. (۱۳۹۰). تأثیر بهره‌وری نیروی کار، امنیت سرمایه‌گذاری، نرخ ارز و شرایط تجاری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در شرایط ثبات و بی‌ثباتی، *مدیریت بهره‌وری*، (۱٦)٤، ۲۲۲-۱۷۳.

منابع خارجی:

Alexis, R., Rueda, A., Mora, J., (2014) Social-Pol and Judicial Factors as Determinants of Private Investment in Latin America. MPRA Paper, No. 58694, posted 30 Goode R. B.

Badri, M. (1996) Relative Importance of International Industrial Location Factors:The Case of Jebel Ali, Al Taavon & Al Sinae, No. 64, April.

Dor D, Elovici Y (2016), A model of the information security investment decision-making process - Computers & Security,16, 1-43.

Furceri D, IMF PT. (2016). The macroeconomic effects of public investment: Evidence from advanced economies. Journal of Macroeconomics 50, 224–240.

Grubel, H. (1984) Free Economic Zones: Good or Bad? Aussenwirschaft,Jahrgang, 1-56.

Hansen. B. (2016), A Study in the Theory of Inflation.Abingdon,Oxon:Routledge, London, https://doi.org/10.4324/9781315621487.

Muthitacharoen, A. (2016). Assessing Tax Incentives for Investment: A Case Study of Thailand, Southeast Asian Journal of Economics 4(2), July-December 2016: 105-128.

Olufemi, A.P., Owojori, A.S., Olu, A.B., (2016) Impact of Security Expenditure on Foreign Direct Investment in Nigeria. International Journal of Accounting, Finance and Risk Management, Vol, No 1.

Sarparast, A., & Akhmadeev, R. (2022). Identifying and ranking the factors of the foreign investment in the development of Iran's free trade zones using MCDM approach. Journal of applied research on industrial engineering, 9(4), 384-394.

Soreiz, Susanne, (2006). Government Expenditure, Capital Adjustment, and Economic Growth, Computing in Economics and Finance, Vol 362.

Stokey NL (2016), Wait-and-see: Investment options under policy uncertainty, Review of Economic Dynamics,1-48